



1
 2
 3
 4
 5
 6
 7
 8
 9
 10
 11
 12
 13
 14
 15
 16
 17
 18
 19
 20
 21
 22
 23
 24
 25
 26
 27
 28
 29
 30
 31
 32
 33
 34
 35
 36
 37
 38
 39
 40
 41
 42
 43
 44
 45
 46
 47
 48
 49
 50
 51
 52
 53
 54
 55
 56
 57
 58
 59
 60
 61
 62
 63
 64
 65
 66
 67
 68
 69
 70
 71
 72
 73
 74
 75
 76
 77
 78
 79
 80
 81
 82
 83
 84
 85
 86
 87
 88
 89
 90
 91
 92
 93
 94
 95
 96
 97
 98
 99
 100
 101
 102
 103
 104
 105
 106
 107
 108
 109
 110
 111
 112
 113
 114
 115
 116
 117
 118
 119
 120
 121
 122
 123
 124
 125
 126
 127
 128
 129
 130
 131
 132
 133
 134
 135
 136
 137
 138
 139
 140
 141
 142
 143
 144
 145
 146
 147
 148
 149
 150
 151
 152
 153
 154
 155
 156
 157
 158
 159
 160
 161
 162
 163
 164
 165
 166
 167
 168
 169
 170
 171
 172
 173
 174
 175
 176
 177
 178
 179
 180
 181
 182
 183
 184
 185
 186
 187
 188
 189
 190
 191
 192
 193
 194
 195
 196
 197
 198
 199
 200
 201
 202
 203
 204
 205
 206
 207
 208
 209
 210
 211
 212
 213
 214
 215
 216
 217
 218
 219
 220
 221
 222
 223
 224
 225
 226
 227
 228
 229
 230
 231
 232
 233
 234
 235
 236
 237
 238
 239
 240
 241
 242
 243
 244
 245
 246
 247
 248
 249
 250
 251
 252
 253
 254
 255
 256
 257
 258
 259
 260
 261
 262
 263
 264
 265
 266
 267
 268
 269
 270
 271
 272
 273
 274
 275
 276
 277
 278
 279
 280
 281
 282
 283
 284
 285
 286
 287
 288
 289
 290
 291
 292
 293
 294
 295
 296
 297
 298
 299
 300
 301
 302
 303
 304
 305
 306
 307
 308
 309
 310
 311
 312
 313
 314
 315
 316
 317
 318
 319
 320
 321
 322
 323
 324
 325
 326
 327
 328
 329
 330
 331
 332
 333
 334
 335
 336
 337
 338
 339
 340
 341
 342
 343
 344
 345
 346
 347
 348
 349
 350
 351
 352
 353
 354
 355
 356
 357
 358
 359
 360
 361
 362
 363
 364
 365
 366
 367
 368
 369
 370
 371
 372
 373
 374
 375
 376
 377
 378
 379
 380
 381
 382
 383
 384
 385
 386
 387
 388
 389
 390
 391
 392
 393
 394
 395
 396
 397
 398
 399
 400
 401
 402
 403
 404
 405
 406
 407
 408
 409
 410
 411
 412
 413
 414
 415
 416
 417
 418
 419
 420
 421
 422
 423
 424
 425
 426
 427
 428
 429
 430
 431
 432
 433
 434
 435
 436
 437
 438
 439
 440
 441
 442
 443
 444
 445
 446
 447
 448
 449
 450
 451
 452
 453
 454
 455
 456
 457
 458
 459
 460
 461
 462
 463
 464
 465
 466
 467
 468
 469
 470
 471
 472
 473
 474
 475
 476
 477
 478
 479
 480
 481
 482
 483
 484
 485
 486
 487
 488
 489
 490
 491
 492
 493
 494
 495
 496
 497
 498
 499
 500
 501
 502
 503
 504
 505
 506
 507
 508
 509
 510
 511
 512
 513
 514
 515
 516
 517
 518
 519
 520
 521
 522
 523
 524
 525

PF4476

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

[illegible][illegible]

ابن ابی السیوطی رحمه الله علیه بنویسید تا عامه مؤمنین از آن منتفع شوند و این عاصی ابد عاصی حسن خاتمه و مغفرت الهی
ابداد و اعانت فرماید و الله المستعان و علیه التکلان و لا حول و لا قوة الا بالله العلی

باب اول در علامات قیامت که پیش از وقوع آن نطقه و رایده

نوع اول در علامات صغری و کبری اینست که روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
علامت قیامت آنست که علم برداشته شود و چهل زیاده شود و زنا و شرب خمر بسیار باشد و زنا
بسیار پیدا شوند و مردان کم تا آنکه نسبت زن یک و نیم باشد و در صحیحین ابن عبد الله بن عمر و از حضرت
صلی الله علیه و سلم روایت کرده که علم از سینهای دم منخنخواهد شد لیکن علماء بمیزند و سرداران جاهل باشند
بی علم حکم کنند گمراه شوند و گمراه کنند و غیره از زیاده بر بید روایت کرده که گفتیم یا رسول الله علم چگونه باشد
ما قرآن میخوانیم و پسران خود را می آموزیم و آنها پسران خود را آموزند همچنان تا روز قیامت باشد آنحضرت فرمود

من ترا و انما فی النسخه منی پیروی و نصاری تویت و انجیل میخواهند و بران عمل میکنند و مسلم از جابر از آنحضرت
صلی الله علیه و آله روایت کرده که در عکویان بسیار باشد بخاری از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه
و سلم آورده که کار با سپرده شوند کسان را که اهل آن نباشند و مسلم از ابی هریره از آنحضرت آورده که در
انگشت بلا آرزوی موت کنند و ترمذی از ابی هریره آورده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده و قتیله
مال غنیمت را سرداران دولت خود و مانند مردم امانت را عینیت نمایند و زکوة را تا و ان دانند و علم را
برای دنیا آموزند و مردمان بر داری زن و ذافرا بی ما در کنند و یار را نزد یک و پدر را بجید کند و در مساجد
آواز بلند کنند و فاسقان بیس قوم باشند و از ازل ضامن قوم باشند و از خوف بدی مردان اگر ای
کرده شود و وسطها و معارف علانیه کرده شوند و خمر خورده شود و آخر است اول است را لعن کنند پس
منتظر باشند در اوقات باد تند را که سرخ رنگ باشد و از آن خسف و منخ و قوت و دیگر علامات قیامت
بیایی آیند چنانچه رشته گسسته شود و دانه ها که در آن مستطعم باشند فرو ریزند و ترمذی از
علی رضی الله عنه این حدیث روایت کرده که زیاده ازین و در آن پوشیدن حریر هم گفته

طه رضا بن محمد بن علی

مکتبہ اسلامیہ

مجلس

الحمد لله

۱۱۱

الحمد لله

۱۰۰

طبع کنندگان احادیث

کامرانہ پورہ

عالت فاسيون

عقائد و افکار و اعمال

مفتی محمد رفیع

یعنی وقتیکه واقع شود حکم خدا بر مردم بقیام قیامت یعنی قیامت نزدیک رسد خارج کنیم بر
 مردم دایه الارض که سخن گوید با مردم آنکه مردم آیات مایقین تمیز داشتند و در قرآنی غیر متواتر تکلم
 بفتح تا و سکون کاف و تخفیف لام آمده یعنی زخمی کند مردم را برای آنکه آیات خدا یقین داشتند
 این عباس گفته که هر دو باشد با مسلمانان کلام کند و کافران را زخم رساند و در روایات احادیث
 اختلاف است در بعضی روایات آمده که روی او مثل روی انسان باشد صاحب لحمه و سائر بدن
 مثل برنده باشد و در اکثر روایات آمده که چهار پایه باشد و در که از کوه صفا براید این عباس درج بر
 کوه صفا عصا گرفت و گفت که دایه الارض آواز این کوفت می شنود و بسیار عظیم الجثه شد
 عبید الله بن عمر گفته که سر او با برسد و پای او هنوز در زمین باشد و بغوی از ابی سفيح انصاری از
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که دایه الارض سه بار خارج شود اول همین ذکر او در صحرا
 و دو ذکر او در سه بار و در صحرا قریب که براید و ذکر او در که رسد سوم بار در که براید سر خود را از خاک افشان
 و بر مردم گذرد بر سختی که کسی از وی که سخن نتواند و سخن گوید مسلمان یا مومن و کافر او گوید یا کافر و در
 آنکه که با وی عصای محسی و خاتم سلیمان باشد از عصای موسی پیشانی مومن نکند سفید نهد و لفظ مومن
 نوشته شود و تمام روی او روشن شود مثل کوب و خشان و کافر اگر بگوید یا کافر یا کافر یا کافر یا کافر
 کند کافر نوشته شود و روی او سیاه شود و بعد از آن دم بشناسند و در بازار بگویند ای مومن خنجر
 میدی و در بعضی روایات آمده که خروج دایه الارض حضور عیسی باشد عیسی مسلمانان و بطوان باشند
 که زمین ببرزد و صفا شکافته شود و دایه براید لیکن صحیح مسلم آنست که اول آیت طلوع شمس از مغرب
 و خروج دایه است چنانچه گذشت جلال الدین سیوطی گفته که بعد دایه الارض امر معروف و نهی منکر باقی نماند
 و هیچ کافر بعد از آن ایمان نیاورد و نزدی از ابی سعید خدری روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم
 فرموده قسم یکس که جان من در دست اوست قیامت قائم نشود تا که سباع با آدمیان سخن گویند و دست
 تا زبانه و شرک نعل کلام کند و در آن خبر و پیچیزی که زن او بعد او کرده باشد و مسلم از حدیث یحیی
 اسد غفاری از رسول صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قائم نشود قیامت تا که ده چیز پیش از آن

یا جوج و حاجج را فرستد که از هر بلندی بپستی می آیند پس پیشروان آنها بر دریای طبری می گذرند
تمام آب آنرا بنوشند چون سواران آنها آنجا بگذرند گویند که اینجا گاهی آب باشد پس می گیرند
آنها را که رسند بمشعل نمر که کوهی است نزدیک المقدس پس گویند که اهل زمین گشتیم باشد که اهل آنجا
بکشیم پس تیر بسوی آسمان اندازند حق سبحانه تعالی تیرهای شان را پر خون بازگرداند و نبی اعظمی
علیه السلام و یاران او محصور باشند تا آنکه کلانگان و زنان آنها بهتر باشد از صد و نینار نزد شما پس
روی آرند بنجی المصعد و یاران او بدعا بسوی خدا پس حق تعالی گرمی در گردنهای آنها پیدا کند پس همه آنها
بمیز پس عیسی و یاران او از طور بسوی زمین فرو آیند و یک وجب میل از مرادیه و بدوبوی یا جوج و حاجج
خالی نیابند باز عیسی و یاران او بجانب الکی و عاکند حق تعالی جانوران را بفرستد که گردنهای آنها
مثل شتران سختی باشد آنها را بر دوشته جایکه خدا خواهد بنشیند و کمانهای تیرهای ترکشهای
آنقدر باقی ماند که تا هفت سال مسلمانان مسوخته باشند پس حق تعالی باران بفرستد که هیچ خانه از
یا پاره و پشم پناه ازان باران نتواند کرد پس تمام زمین را بشوید تا که صاف شود مثل آینه پس
بفرماید حق تعالی زمین را که ثمره و یابد و برکت باز دهد پس در آن روز یک انار آنقدر باشد که جماعتی
بخورد و از پوست آن سایه کند و در مواشی آنقدر برکت شود که یک شتر ماده شیر دار کفایت کند
جماعات کثیره را و گاو ماده شیر دار یک قبیله کلان را و بز ماده شیر دار کفایت کند قبیله خود را
همچنین باشند تا آنکه حق تعالی باد پاکیزه بفرستد و مردم را از زیر یغما بگیرد و ازان باد همه مسلمانان
بمیزند و کفار باقی مانند باهم اختلاط کنند مثل خران برانها قیامت قائم شود و در صحیحین آمده که در جبال
از مشرق بقصد مدینه آید پس کوه احد فرود آید حق تعالی او را از داخل مدینه محرم داشته بلکه
روی ملو را بسوی شام گردانند و آنجا هلاک شود و آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که هر که در جبال
دریابد آیات اول سوره کهف بخواند از شر او ایمن باشد و یسقی از ابی هریره روایت کرده که
دجال برخیزد میان دو گوش آن خریف تا دباع فاصله باشد باع مقدار قدم است و ده
صحیح مسلم قصه تقیم داری است ازان معلوم می شود که دجال موجود است محبوس است

در جزیره دریای شام یا دریای بین و دخول کبه و مدینه و جال را میسر نه شود
 فصل در صحیحین از ابی هریره مروی است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که قریب است که نزد
 آید عیسی بن مریم حاکم عادل شکند صلیب را که نصار آزما می پرستند و بکشند و کافران را یعنی
 حرام کند خوردن آن موافق شریع محمدی و جریمه بر نصار و غیره کفار از اینجا معلوم میشود که
 نصار بزرگ فرود باشند و بعیثی گردیده نشوند و مان بسیار تقسیم کند تا آنکه کسی قبول نکند و
 یک سجده نرود مردم بهتر باشد از دنیا و مافیها و مسلم زیاد کرده که شتر ماده جهان را کند آشته شود
 کسی بروی سعی نکند و عداوت و بغض و حسد در مردم نماند و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود
 کسی قبول نکند و نیز مسلم از جابر روایت کرده که چون عیسی نازل شود آتش را نوقت بگوید که شما
 اماست کنید و نماز نکنید بگوید بعضی شما بر بعضی امیر باشد برای اگر اقامت و این امت و این جزیری از
 عبید الله بن عمر روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که عیسی نازل شود و نکاح کند
 و اولاد او پیدا شود و چهل و پنج سال باشد پست نماید و بامن در قبر من دفن کرده شود و در روز
 قیامت من عیسی بر خیریم در میان ابی بکر و عمر و لیکن در صحیح مسلم از عبید الله بن عمر و از آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم مرویست که عیسی هفت سال باشد و تطبیق این حدیث با حدیث سابق آنست
 که بودن عیسی در زمین چهل و پنج سال است از آنجمله سی و هشت سال پیش از رفتن یسوع آسمان و هفت سال بعد از آن
 فصل از ابی هریره در صحیحین و بیست که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که پیش از قیامت قرآن
 گنجی بیرون آید از زیر پس کسی که آنجا حاضر باشد باید که نگیرد و از آن روایتی در صحیح مسلم از ابی هریره
 از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آمده که فرات کوهی از زیر بیرون آید مردم بروی جنگ کنند تا آنکه
 انوسد کس نرود و نه کشته شوند و هر کس گوید شاید من باشم که نجات یابم و نیز مسلم از ابی هریره از آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قتی کند زمین جگر گوشه های خود را مانند ستون ها از زرد و نقره بپاشد
 حسرت کند و بگوید که برای این قتل کرده بودم و کسی که قطع رحم کرده بگوید که برای این مال قطع رحم
 کرده بودم و دزد بگوید که برای این مال دست من قطع کرده شده پس طلبیده شوند مردم تا که بگیرند و کسی آنرا

در جزیره دریای شام یا دریای بین و دخول کبه و مدینه و جال را میسر نه شود
 فصل در صحیحین از ابی هریره مروی است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که قریب است که نزد
 آید عیسی بن مریم حاکم عادل شکند صلیب را که نصار آزما می پرستند و بکشند و کافران را یعنی
 حرام کند خوردن آن موافق شریع محمدی و جریمه بر نصار و غیره کفار از اینجا معلوم میشود که
 نصار بزرگ فرود باشند و بعیثی گردیده نشوند و مان بسیار تقسیم کند تا آنکه کسی قبول نکند و
 یک سجده نرود مردم بهتر باشد از دنیا و مافیها و مسلم زیاد کرده که شتر ماده جهان را کند آشته شود
 کسی بروی سعی نکند و عداوت و بغض و حسد در مردم نماند و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود
 کسی قبول نکند و نیز مسلم از جابر روایت کرده که چون عیسی نازل شود آتش را نوقت بگوید که شما
 اماست کنید و نماز نکنید بگوید بعضی شما بر بعضی امیر باشد برای اگر اقامت و این امت و این جزیری از
 عبید الله بن عمر روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که عیسی نازل شود و نکاح کند
 و اولاد او پیدا شود و چهل و پنج سال باشد پست نماید و بامن در قبر من دفن کرده شود و در روز
 قیامت من عیسی بر خیریم در میان ابی بکر و عمر و لیکن در صحیح مسلم از عبید الله بن عمر و از آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم مرویست که عیسی هفت سال باشد و تطبیق این حدیث با حدیث سابق آنست
 که بودن عیسی در زمین چهل و پنج سال است از آنجمله سی و هشت سال پیش از رفتن یسوع آسمان و هفت سال بعد از آن
 فصل از ابی هریره در صحیحین و بیست که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که پیش از قیامت قرآن
 گنجی بیرون آید از زیر پس کسی که آنجا حاضر باشد باید که نگیرد و از آن روایتی در صحیح مسلم از ابی هریره
 از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آمده که فرات کوهی از زیر بیرون آید مردم بروی جنگ کنند تا آنکه
 انوسد کس نرود و نه کشته شوند و هر کس گوید شاید من باشم که نجات یابم و نیز مسلم از ابی هریره از آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قتی کند زمین جگر گوشه های خود را مانند ستون ها از زرد و نقره بپاشد
 حسرت کند و بگوید که برای این قتل کرده بودم و کسی که قطع رحم کرده بگوید که برای این مال قطع رحم
 کرده بودم و دزد بگوید که برای این مال دست من قطع کرده شده پس طلبیده شوند مردم تا که بگیرند و کسی آنرا

از آنحضرت

فصل در صحیحین

از ابی هریره

مروی است که

آنحضرت

صلی الله علیه و سلم

فرمود که

قرآن گنجی

بیرون آید

از زیر پس

کسی که آنجا

حاضر باشد

نیکو و این هر دو حدیث بر از من مختلفه حمل کرده شود شاید که در ابتدا برای گرفتن مال قتال کنند و آخر کار کسی
قبول نکند و الله اعلم و سلم از عبد الله بن مسعود و انس و غیره روایت کرده که قیامت خواهد شد
مگر بدترین خلق کسی در زمین الله بگوید بعد وفات عیسی مسلمانان از یادی لطیف بپزند و مردم مسخره
و منکرانشناسند و شیطان متشکل شود و بیت پرستی و لالمت کنند و لالت و غری و ذوالخاکه را بر
آزمان نفع صورت شود و هر که شنود کج کند گردن را پس بپزند و الله اعلم نفع اول است که از آن میزند و در
حدیث آمده که نفع اول نفع نزع است که از آن نفع اهل آسمان و زمین و نزع و دشت آیند از آن نفع کوهها
بپزند و مثل ریگ شده بریزند و زمین در لغزش آید چنانچه کشتی در دریا میلزد و مردم از لغزش زمین
مضطرب شوند و زمین خزان و مردگان را که در زمین باشند بیرون آنگند و زنان باردار اسقاط حمل
کنند و بچکان و جوانان پیر و ضعیف شوند و شیاطین از بول گیریند بسوی قطار زمین پس ملائکه
رواییشان را بزنند و باز گردانند و مردم گیریند و بعضی را انداختند آن زمان زمین لشکافه و آسمان
مانند روی شود پس لشکافه و ستارگان بریزند و شمس و قمری نور شوند این همه عذاب بر مترار
خلق باشد و مردگان را ازین خبر نباشد بعدین حال چندی باشند پستتر حکم شود و اسرافیل را که باز در
صور بدید در آن دم همه میزند از انس و جن و شیاطین بعد ملائکه میزند تا که باقی نماند مگر جبرئیل و میکائیل
و اسرافیل و عزرائیل و حکم عرش پستتر حکم شود جبرئیل و میکائیل میزند پستتر حال را عرش میزند
و عرش را حکم شود و اسرافیل و عزرائیل میزند و حق تعالی بفرماید
إِنَّ الْمَلِكَ أَيْمُونٌ مَّكْسِي جَوَاب دهنده نباشد خود بگوید **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْقَهَّارُ**

باب دوم در احوال روز بعثت و نشور که پنجاه هزار ساله باشد تا دخول جنّت باشد

بعد نفع ثانیه یا اولی علی اختلاف الروایتین چون چهل سال بگذرند باران از عرش فرویزد و بر زمین چل
تا که آب بالای زمین دوازده گز شود و از آن آب حق تعالی اجساد مردگان را بر داند چنانچه سبزه
از زمین میروید چون جسد های آدمیان کامل شود چنانچه بودند حق تعالی زمینی دیگر از فقره پیدا کند و

له نفعی یعنی
در تشریب و درون
فی القرآن تفاوت
در ده کالمان
نهی آسمان در آن
در سطح رنگ بود
شماره و در نفع
شماره پنجم و ششم
و هفتم و هشتم
و نهم و دهم
و یازدهم و بیستم
و سی و یکم
و سی و دوم
و سی و سوم

آسمانی دیگر از زمین کند و مردگان از زمین زمین اندازد بر پشت زمین در شکم زمین بستر
حق تعالی اول حاملان عرش رازنده کند بستر حق تعالی اسرافیل رازنده کند و صور از عرش بگیرد و
بر لب بند بستر جبریل و میکائیل و دیگر فرشتگان رازنده کند و ارواح را طلب نماید و ارواح مومنان
بنور ایمان تابان و درخشان و ارواح کافران بظلمت کفر و معاصی سیاه همه را حق تعالی در صور اندازد
پس بحکم خدا اسرافیل صور بدهد و ارواح باین نفخه که دوم باشد یا سوم مانند نخل از صور برانند و تکلم الهی
هر یک روح در جسد خود داخل شود و از راه بینی در زمین نشاند و مردگان از زمین ایند رسول فرمود صلی
علیه و سلم اول کسی که از زمین اید من ششم بستر همه مومنان را قبور برانند مومنان وقت بر ستر گویند
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَكْرَمَنَا بِكَرَمِ الْكَرْمِ اِنَّ رَبَّنَا لَغَفُوْرٌ شَكُوْرٌ وَكَافِرَانِ قَتَلْنَا
كَوْنِيْكُمْ يَا وَكَلَمًا مِّنْ بَعْثْنَا مِنْ مَّرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمٰنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُوْنَ
هر جماعتی را بگنجه شود با اهل عمل خود صالحان یا صالحان یا فاسقان یا فاسقان کافران یا کافران رسول
فرمود صلی الله علیه و سلم بسوخت کرده شوم من روز قیامت در میان ابو بکر و عمر پس را یم بسوخت
بقتل پس دوم بقتل با من جمع شوند بستر بیایند بسوی من اهل مکه و مدینه و هر کس شکر کرده شود بر عملی که
بر آن مرده باشد شیب ان چون بسوخت شوند از زخمهای شان خون براید که در رنگ شل خون دلی باشد
مشک باشد و هر که در جمره تلبیه گویند بر خیزد و هر که در شراب خواری مرده دستی بر خیزد و همچنین
هر عمل نیک یا بد در محسین آمده که همه کسان برهنه غیر مختون بر خیزند اول کسی که پوشانیده شود و ابراهیم
علیه السلام باشد که دو پارچه سفید نفیس از پشت پوشانیده شود پسر رسول کریم صلی الله علیه
سلم بهتر از آن پسر دیگر رسول انبیا پسته پوشانیده شوند مومنان در بعضی احادیث آمده که مرد
و میان پارچه که مدفون شدند بر انگخته شوند بعضی گویند که آن شهیدان باشند که در پارچه نهادند
مدفون شده بودند و شاید که همه مردگان در پارچه خود بسوخت شوند پسر آن پارچه دور شود و گفته
گردند پسر هر یک موافق عمل او پوشانیده شود و بعضی گویند مردان پارچه اعمال صالحه است حق تعالی
سيفر مايد و كَيْتَا سِ الثَّقَوٰى ذٰلِكَ خِيَرَةٌ لِّرَّسُوْلٍ صَلٰى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ بِرَبْرَاقٍ سَوَارِ شُوْد

لله الحسنة
عنه بيت الله
خداي که در آن
از اندوه و آزار
پس در گمار
آرزنده فرزند
ست ۱۲ فرزند
صلی الله علیه و سلم
که نام خیر است
از نوا گاه با اوج
جانش که در
دارد و خدا می تواند
راست گفتند
بیجا میدان ۱۲ فرزند
صلی الله علیه و سلم
و در این کتاب است

خیانت کرده باشد آن مال را حق تعالی برگردنش سوار گرداند هر که زیاده از حاجت عمارت کرده باشد تکلیف داده شود که این عمارت را بدوش خود بردارد هر که زکات مال نداده باشد زروسیم او را آتش دوزخ گرم کرده او را داغ داده شود و شتران گاوان و گوسفندان را اگر زکات نداده باشد آن جانوران تا پنجاه هزار سال بروی بگذرند و او را پایال نمایند هر که حاکم باشد اگر چه برده کس حکم رانده باشد آورده شود او را دست او بگردنش بسته اگر گنوی و عدل کرده باشد خلاصی یابد و اگر بدی ظلم کرده باشد طوق بگردنش کرده شود هر که از سئله سوال کرده شود و او جواب سئله میداند و پوشیده دارد او را آتش لگام داده شود و هر که در قرآن غیر علم چیزی بگوید او را هم از آتش لگام داده شود و اسلام و قرآن اعمال صالحه شفا کند و در ثواب قرآن در پدرشان اهلها پوشانیده شود و تاج بر سر نهاده شود رسول فرمود صلی الله علیه و آله از آتش سیر بگیرد بگوید سبحان الله المحمدا لاله الا الله الله اکبر ابن ابی الدنیا از ابن عباس است کرده که روز قیامت دنیا را بر صورت پیر زنی سفید تو از رزق چشم که این نظر آورده شود او را خلافت بینند و گفته شود که این را ایشان سید مردم گویند تعویذ بالله من معرفة هذه گفته شود که این دنیا است که بدان تفاخر میکرد و با هم حسد و قطع رحم می نمود و دید بغض میکرد و بد پس او را در دوزخ انداخته شود پس بگوید ای پروردگار اشیاع و پسروان من کجا هستنند حکم شود که اشیاع و پیروان او را نیز نادی بینند از این شهر بر دوشش شود همچو روز معلومست که با که باخته عشق در شربت و بهشتی از عباد بن الصامت و عمر بن عبیده روایت کرده که دنیا را آورده شود و آنچه در دنیا را خداست آنرا جدا کرده شود و آنچه برای غیر خداست در آتش انداخته شود و آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود سه چیز زیر عرش باشند قرآن و امانت و رحم و شفاعت کنند رحم گوید هر که وصل کرده الهی بای وصل کن و هر که قطع کرده الهی از وی قطع کن و در احادیث آمده که اسلام و اعمال و قرآن و امانت و رحم و ایام و ثبات و موت و نجات آن بر صورت اعیان مجبور شوند بعضی علما تاویل میکنند و میگویند که از اعمال صورتی و غیر از اعمال بر صورتی قیاس پیدا کنند و در میزان بنهند و صاحب کشف غایب همه احادیث را بر صورتی جمع میکنند لیکن اینان بدان باید آورد و درم پیچیزی از ان تا ویلات نتوان کرد و سخت از ان نباید نمود

فصل در ذکر کوشش چون مردم از قبور بر آیند تشنگی بر آنها غالب باشد و پیغمبر را در روز حوضی باشد
 هر امتی را علامتی باشد که نبی شان از ان علامت امت خود را بشناسد و سید الرسل صلی الله علیه و
 سلم را حوضی باشد بنام کوشش یعنی خیر کثیر طول و عرض آن یکا به راه باشد آب آن سفید تر از شیر و
 شیرین تر از عسل و سرد تر از برف و خوشبو تر از مشک و بر آن آب کوزه ها باشند مانند ستارگان
 زمین و از ایاقوت و مرجان و زمره باشد و در آن و نیز آب بهشت افتند و علامت است
 آنست و صلی الله علیه و سلم آن باشد که روشنی باشند اعضا و اعضاء و ضوای ایشان و علی بن ابی طالب
 رضی الله عنه ساقی باشد هر که از ان آب و او انگس باز نشد و بعضی علماء گویند که ورود
 بر حوض بعد گذشتن از صراط باشد و بعضی پیش از حساب گویند و ظاهر آنست که بعضی آب را قوت
 بر خاستن از قبور داده شود و بعضی را بسبب معاصی در آنوقت آب نداده شود بعد خلاصی از دوزخ
 پیش از دخول جنت داده شود تشنگی برداشتن و صوم سبب خوردن آب کوشش باشد مشرکان را
 آب کوشش نصیب نیست علماء گفته اند که اهل بیوا یعنی روافض و خوارج و معتزله و مانند شان
 نیز از آب کوشش محروم باشند و اهل کبار را بعد خلاصی از دوزخ آب کوشش رسد
 فصل چون مردم بمحشر جمع شوند دوزخ را آورده شود هفتاد هزار بارگ بر هر بارگ هفتاد هزار رشته
 و قتی که دوزخ بر صد ساله راه از خلایق باشد بجنبه و حمله کند بقسمی که انبیاء و ملائکه از خون و
 برزاق و افتند و نفسی نفسی گویند و رسول کریم صلی الله علیه و سلم امتی استی گوید حق تعالی فرماید
 اَوَلَيْكَ اَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ وَ كَلَّا هُوَ يُخَيِّبُكَ وَ هُوَ مُبْتَهِمٌ سَرْدِ خَوَاهِمِ كَرْدِ چشتم ترا در حق است
 یا محمد و آفتاب دیک شود در آن روز بقدر یک میل و جارت او زیاده کرده شود مردم در عرق
 غرق شوند بقدر گناهای شان بعضی تا شتالنگ و بعضی تا زانو و بعضی تا کمر و بعضی تا دهن علماء گفته اند
 که این از خوارق آفرین است که در زمین برابر متفاوت در عرق غرق شوند و در آن روز سایه اعمال صالحه
 باشد بسبب اعمال صالحه و دوام ذکر خدا و عهده الت حاکمان و رحم بر ضعیفان و ترسیدن از خدا
 و تعلم قرآن و محبت داشتن با صالحان خالصا لله و حسن اخلاق و صلوة رحم و مانند آن در سایه عرش خدا باشد

صلوات و تسبیحات
 من از امت تو
 در روز است
 ایشان و در
 از دوزخ شوند

کسانیکه خالصه اندلی واسطه قنوت و مانند آن با هم دوستی کنند و مردم را دوستی خدا دهند و با خدا دوست سازند و در آن روز آنها را حق تعالی بر منبر نای نور نشاند که انبیاء و شهدا از آن غبطه کنند و کسانیکه علم بخیر ببردند آموزند آنها را حق تعالی بر منبر نای زر زیر قبهها از سیمین نشاند که مرصع باشد و مراد یارید و یاقوت و پوشش آن قبهها از سمن استبرق باشد چون در آن روز مردم در عرصات در عرق غرق و مجوس باشند و از طول انتظار آرزو کنند که از آن مقام ربانی بایند اگر چه بد فرخ روند آن زمان شفیع طلب کنند اول از آدم پسر از نوح پسر از ابراهیم پسر از موسی پسر از عیسی شفاعت خواهند کسی از آنها در خود قدرت شفاعت نیابد آنگاه پیش سرور کائنات رجوع نمایند آنحضرت بشفاعت برخیزد و پیش عرش مجید آمده هر سجده هفتاد گناه در شسته بیاید و بگوید یا محمد چه میخواهی آنحضرت بگوید یا رب عده کرده بودی بمن بقبول شفاعت شفاعت قبول کن و در میان خلایق قصداً حکم شود که شفاعت تو قبول کردم و برای قصداً می آیم رسول فرمود صلی علیه و سلم لبس همراه مردم بایتم ناگاه آواز فرود آمدن شنوم اهل آسمان پایین فرود آیند زمین از آنها پر شود از جن و انس که در زمین باشند از همه شان فرود باشند و صف بسته بایستند پسر اهل آسمان مردم بسیار زیاده از اهل زمین و اهل آسمان اول پسر اهل آسمان سوم زیاده از دو همچنین جمیع اهل آسمانها فرود آیند هر یک زیاده از ما سبق پسر حق تعالی نزول فرماید **لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا** مراد از نزول آمدنم سخنی از تجلی باشد پس حق تعالی در جانوران حکم بقصاص فرماید هر بی شاخ از شاخدار عوض گیرد و اگر انسانی عصفوری را بکشد عصفور فریاد کند یا رب این شخص مرا بی فائده کشت نخورد و من منفعت گرفت و نه زنده گذاشت در زمین تو رسول فرمود صلی علیه و سلم زنی بسبب گریه در دو زنج رفت او را بسته داشت و طعام نداد و نه وا گذاشت تا از حشرات زمین بخورد و در شبی را علف نداد آنحضرت صلی علیه و سلم فرمود که این شتر با تو روز قیامت خصومت خواهد کرد چون قصاص جانوران تمام شود حق تعالی بفرماید که خاک شوید همه خاک شوند کافر گوید کاشکی هم خاک میشدم پس حق تعالی نوح علیه السلام را طلبید و بفرماید که پیام من بخلق رسانیدی گوید رسانیدم است او را طلب کند و گوید که نوح پیام من بشمار رسانیده آنها انکار کنند همچنین از دیگر انبیا

روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که چون بر آن آدم سجده شود اگر میزان او ثقیل شود
فرشته ندا کند همه خلق بشنوند این شخص نیک بخت شد بد بخت شد هرگز نخواهد شد و اگر میزان او
سبک شود بگوید که این کس بد بخت شد هرگز نیک بخت نخواهد شد در احادیث آمده **سُبْحَانَ اللَّهِ**
نصف میزان و **أَجَلُ اللَّهِ** پیری میزان است و **كَلَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** راجع ترست از جمع خداوند
و **اللَّهُ أَكْبَرُ** همچنین در وصایای کسینی میرد و صبر کند و در و بر رسول صلی الله علیه وسلم فرستد و دیگر حجت
موجب ثقل میزان اند و ذوقی از عمران بن حصین از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که سیاه
علما با خون شهیدان و زقیامت وزن کرده خواهد شد سیاهی علمای خون شهیدان افضل باشد و احیای
و ابراهیم نخعی مرویست که مردی را در زقیامت در میزان سنات کم دیده شود ناگاه مثل ابراهیم در میزان
آیند گفته شود این صیبت گفته شود که این آنست که مردم را علم آموخته و این چیز از وجاری مانده
و از ابی الدرداء مرویست که هر که اجمت شکم و فرج باشد میزان او ناقص باشد و چون ام
بمختصر جمع شوند و کفار از مؤمنین ممتاز گردند و دوزخ محیط محشر باشد گردنی از آتش دوزخ برآید
خزند دوزخ او را بکشند او بگوید قسم بغیرت پروردگار من بگزارد مرا با ازواج من گویند ازواج تو کیستند
گوید هر تنگبار زان فرمان پس برچیند آنها را چنانچه مرغ دانه می چیند و در شکم خود کند و باز چینی کند و گوید
بگزارد مرا با ازواج من بگویند کیستند ازواج تو گوید **كُلُّ خَنَاءٍ كَفُورٍ** یعنی عهد شکن با سپاس
آنها را بچیند و در شکم گیرد باز مرتبه سوّم چینی کند و گوید بگزارد مرا با ازواج من گویند آنها کیستند
گوید **كُلُّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ** یعنی معجب خود پسند فخر کننده و در حدیثی آمده که گردنی از آتش برآید که
آزاد چشمش باشند و زبانی فصیح و بگوید که مرا بگزارد شده ام برای کسی که با الله معبود دیگر گردد
و بهر جبار عناد کننده ناحق و بکسی که قتل کرده باشد نفسی را بغیر نفس پس آنها را بر چینی پیش از
دیگر آدمیان بپا نصد سال و این مرغان در ارشاد گفته که چون آدم را حکم شود بفرستادن آدمیان
بدوزخ هفت قسم از دوزخیان باشند دو قسم را گردنی از دوزخ برآید و چربیند چنانچه کبوتر را
می چیند اول آنکسان باشند که کافر باشند بخدا از راه تکبر و انکار و دوم آنقسم باشند که کافر باشند

بخدا از راه جل و غفلت سپرد گفته شود که هر کس که با خدا دیگر برپا نشد و دست با معبود خود نشود آفتاب
 پیروی آفتاب آتش پرستان پیروی آتش و بت پرستان پیروی بتان کنند و آنها با معبودان
 خود داخل دوزخ گردند و بگویند لو کان هؤلکاء اهلۃ مآ و رد و هکذا یعنی اگر اینها معبود بحق بودند
 داخل دوزخ نشدند بهتر جماعه چهارم آن باشند که خدا را یکی میدانند و انبیاء را نکذ می کنند
 و صفات الهی بر او حمل می کنند چنانچه کفار یونان بت را قسم خاستند و سادسین یهود و نصاری با
 دین مشرکانه لب باشند گفته شود چه حال دارند بگویند تشنه لبیم ما را آب دهید گفته شود بر روی
 و اشاره کرده شود بدوزخ و دوزخ بصورت سراب آنها را بنظر آید و در آن آتشند و بر دایمی آ
 که چون عابدان پیروی معبودان کنند یک نشسته بصورت عیسی برای نصاری و یک نشسته
 عذیر برای یهود ظاهر شود و آنها پیروی او کنند و آنها را بدوزخ رسانند فقیر گویند ظاهر از یهود و
 نصاری یک یک بر پیش عیسی غزیر کرده در فرقه رابعه داخل دوزخ شوند و کسی که عیسی و غزیر را
 رسول دانستند و بر پیش آنها نکرده و بسبب انکار نبوت محمد صلی الله علیه و سلم کافر شدند آنها
 در فرقه خامسه داخل دوزخ شوند چون باقی نمانند مگر مومنان در میان شان منافقان باشند
 حق تعالی بطور کند و بفراید مردم پیروی معبودان و ذکر دین شام پیروی معبود خود و کنند آنها گویند
 و الله که ما سوائے خدا دیگر کسی را عبادت نکرده ایم حق تعالی بگوید که من پروردگار شما ام بگویند
 که منتظریم تا که حق تعالی را بگوید که میثنا سیم بنیم از زمان حق تعالی تخیلی کند بنحی که از آن تعبیر فرمود
 یحکم و یکشف عن ساق و یکدعون الی الشجره و حکم کرده شود سجود مومنان مخلص شود و در
 و منافقان را پشته مثل شاخهای گاو سخت شوند و بر پشت افتند و سجود نتوانند کرد و در دوزخ
 انداخته شوند پس مسلمانان سوال کرده شوند و حساب کرده شود و اعمال شان را در میزان عدل سنجیده
 اول سوال کرده شود از خورزیها مقتول گوید یا رب ازین پرس که مرا چرکشته حق تعالی بسپارد
 جال آنکه او داناترست غازی فی سبیل الله گوید که قتل کردم این را که عزت مرا باشد حق تعالی فرماید
 راست گفتی و روی او را حق تعالی مثل آفتاب کند و فرشتگان مشایعت او کنند و بهشت را
 براهی کردند ۱۲

در کتاب کتبات
 از ساق و خاند
 سوز بسبب
 جود

دیگر قاتل گویشتم اورا تا که عزت مرا باشد حق تعالی فرماید بپاک شدی تو فرستاده شود بدوزخ پست در
 دیگر مظلوم حکم بغض کرده شود تا آنکه کسی که در شیر آب انداخته فروخته است تکلیف داده شود که شیر را از
 آب جدا کن سوال کرده شوند مردم از صحت بدن سمع و بصر و دیگر نعمتها که کجا صرف کردید و سوال کرده شوند
 از علم که بران عمل کردند باینه و رسولی فرمود صلی الله علیه و سلم علم را پوشیده نذارید خیانت و در علم سخت ترست
 از خیانت در مال حق تعالی ازان سوال خواهد کرد فرموده که مرد از جاه و مرتبه سوال کرده خواهد شد چنانچه ازان سوال
 کرده خواهد شد و ازان واج و ازان اموال و مالیک و چون سوال کرده خواهد شد از اعمال اول ازان سوال کرده خواهد شد
 و نماز را وزن کرده خواهد شد نماز را عند الله وزن است اگر در آن نقصان بود و فرائض را بنوافل جبر نقصان
 کرده خواهد شد پست در نکات پست و دیگر اعمال در حدیث آمده اول در نماز نظر کرده خواهد شد اگر نماز بدرجه قبول
 در دیگر اعمال نظر کرده شود هر که امامت کند قومی را باید که از خدا بترسد و بداند که وضو است اگر بخوبی است اگر
 او را ثواب باشد مثل ثواب بیعت باین بهر چه نقصان کند برگردن وی باشد و از سه چیز سوال نکرده خواهد شد
 از پارچه که بدان ستور عورت کند و از پارچه نان که گرسنگی دفع کند و خانه بقدریکه اگر کسی شری بنده
 و سوال کرده خواهد شد از آنکه با که دوستی کردی و با که نکرده دوستی کردی و با که دشمنی کردی و با که نکرده دشمنی کردی
 خواهد فرمود هر که با دوستان من دوستی نکند و با دشمنان من دشمنی نکند او را رحمت من نرسد از با دشمنان
 و قاضیان و حاکمان و سرداران سوال کرده خواهد شد از عدل و حسن سلوک با رعیت آزان زمان که اول
 و اولاد و شوهر چه کرده و از بنده که در مال سید چه کرده و چون بنده از گناه توبه کند حق تعالی
 و رشتگان ازان گناه فراموشی دهد و همچنین چارچ او را و زمین را و غیره شهادت دهند گان را
 فراموش سازد و اگر مسکین را در دنیا مصیبتی رسد اگر خاری و ریا و خلد او را و موجب اجر داند و صبر
 نهد آبن مصیبت عوض گناهان شود و از جبر گناه در آخرت محفوظ ماند و بعد حساب و وزن اعمال
 اگر از حقوق الله چیزی بزدند او باقی ماند حق تعالی اگر خواهد عذاب کند و اگر خواهد بخشید و عجز نیست
 احمد از ابی هریره روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که حق تعالی بنده مسلمان را روز قیامت
 از خود نزدیک کند و بگوید نامه اعمال خود بخوان چون بر حسن آید آن مرد خوش شود حق تعالی فرماید

۲
 مالک است
 مالک است

۱۰۱
و آنچه در حدیث ابی ذر آمده که صفار ز نوب بروی عرض کرده شود و کبار پوشیده داشته شود
مغفیش آن باشد که عوض صفار ز نوب جنات داده شود و اگر احیاناً بزرگ تقدیر از پنجین پس
بکبیره صادر شود و آنرا پوشیده دارد و بخشد و آنچه از حقوق عباد اگر بزرگ کسی باشد برگزیند
بلکه جنات مدیون بدائن ظالم مظلوم داندیده شود و اگر حسنات او تمام شود و دیون حقوق و
بر روی باقی مانند سیات و انسان مظلومان بر مدیون و ظالم نهاده و او را بدو زخ و ستاده شود
رسول فرمود صلی الله علیه و سلم نباشد که میری و دین کسی بر تو باشد در آخرت درم و دینار باشد
و عوض دیون جنات داده شود و سیات سوی نهاده شود و فرموده که اگر در راه خدا کشته شود
و باز زنده شود و باز کشته شود داخل بهشت نشود تا که ادای دین نکند و فرموده که نامه اعمال
گناهان سه باشد یکی بابت شرک هرگز بخشیده نشود و دوم بابت حقوق الله حق تعالی در
بخشیدن حق خود پاک ندارد و سوم ظلم عباد در ان قصاص شود بی شبهه و فرموده که مفسد
که نماز و روزه و غیره حسنات دارد یکی را دشنام داده است و دیگری را مال گرفت و
دیگر را خون ریخته و دیگری را زده است پس هر یک را حسنات او داده شود و چون از حسنات
هیچ نماند گناهان مظلومان بروی نهاده و او را بدو زخ انداخته شود ولیکن اگر حق تعالی فضل فرماید
خود از طرف مدیونان عوض داده مدیونان را از دائنان رهایی داند رسول فرمود صلی الله علیه
سلم هر که مدیون شد و نیت ادای دارد و او را میسر نشد حق تعالی از طرف او ادا کند و اگر
در نیت او ادانها شد قصاص حسنات و سیات کند و عهدا اگر دین بر او سرف بر خود کرده باشد
البتة ما خود شود و اگر بنا بر ضرورت یا برای تقویت بر جواد یا برای تعفف و زکاح یا برای تکفین
مردۀ فقیر مسلمان مدیون شده باشد نیت او ادا و حق تعالی از وی ادا کند و اگر زیاده
تفضل کند مظلومان را با لغات خوش کند تا که او را بخشند و او را با خود به بهشت برند
فصل بعضی مسلمانان را حق تعالی بغیر حساب بهشت داخل کند و ایشان را از
حساب معز دارد و در صحیحین اینها بن عباس مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم عرض کرد

برین استهای انبیای سابق با بعضی از پیغمبران یکدوسن است و با بعضی دود و با بعضی گشتی
 و با بعضی جماعتی است و دیدم سواد کثیر که افق را پر کرده و هر سو همچنین سواد کثیر دیدم گفته شد که این
 امت تست با اینها هفتاد هزار کس باشند که بغیر حساب داخل هشت شوند رسول فرمود صلی الله
 علیه و سلم آنها کسانی که افسون نکنند و داغ نکنند و قطره ننگند و بر خدا توکل نکنند عکاشه
 رضی الله عنه گفت من هم از انجماع باشم فرمود باشی مروی دیگر گفت من هم باشم فرمود
 عکاشه سبقت کرد و همچنین در صحیحین از ابی هریره و نزد مسلم از عمران بن حصین آمده و در حدیث
 ابی امامه آمده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که مرا وعده کرده است پروردگار من ببقاؤنک
 از امت تو بغیر حساب داخل هشت شوند و با هر هزار کس هفتاد هزار کس باشد و سه حشیات از
 حشیات پروردگار و حشی خیزی را گویند که در دو کف شخص آید و در حدیث ابی بکر صدیق نزد احمد
 و غیره آمده که هفتاد هزار کس بغیر حساب داخل هشت شوند و حشیان مانند ماه شب چهاردهم باشند
 زیاد طلب کردم از خدا پس زیاده کرد حق تعالی باین کس از آن هفتاد هزار کس هفتاد هزار کس در حدیث
 آمده که کسانی که حمد کنند و در رحمت و در بخ داخل هشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شهادتی سید
 داخل هشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شب خیزان در حدیثی اهل فضل و اهل صبر و متحابون فی
 داخل شوند بغیر حساب اهل فضل کسانی که کسی بر آنها ظلم کند صبر کنند و کسی با ایشان
 بدی کند ایشان بخشایند و کسی با ایشان چل کند ایشان چل نمایند و اهل صبر آنها
 که بر طاعت خدا و از محصیت صبر کنند و متحابون فی الله آنها که برای خدا با همه دوستی کنند
 دلی علاقه و نیامد ملاقات نمایند و در احادیث آمده هر که در رنج و مصیبت صبر کند و هر که
 در رنج و عمره میرود و اهل عرفان و اجسان و طالبان علم و زنی که فرمان بردار زوج باشد و از کشتن
 با و الدین و کسی که از فقر جامه مکز ندارد و طعام و قسم نتواند خورد و شراب و قسم ندارد و
 دنیا رغبت ندارد و کسی که از خوف خدا بگریزد بغیر حساب داخل هشت شوند و اصحابی از
 روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم چون بر اینها قائم شوند اهل نماز و اهل روزه

و اهل حج را ثواب داده شود و نیز آنها و اهل بلا آورده شوند نه میزان برای شان نهاده شود و نه
 ذفر اعمال برای آنها کشاده شود و زحمت شود بر آنها ثواب بخیر حساب تا آنکه اهل عافیت تمیز
 کنند که بدنه های شان در دنیا بمقراضها بریده شد حق تعالی میفرماید **ثُمَّ لَیُّوفِّی الصَّابِرِ مِنْ أَجْرِ هِمِّهِ**
بِخَيْرِ حِسَابٍ یعنی جز این نیست که داده خواهند شد صابران ثوابهای شان بخیر حساب بپسند
 کافران را حکم بدوزخ و مومنان را حکم بر رفتن بسوی بهشت شود مومنان احق تعالی موافق
 شان نور و بعضی کسان را نور باشد مانند کوه و بعضی را مثل درخت خرم و کمترین نور کسی
 باشد که نور او در زنگشت پای او باشد گاهی ظاهر شود و گاهی پوشیده و کافران منافقان
 نور نباشد قال الله تعالی **وَمَنْ لَّمْ یَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُّورٍ** و در بعضی احادیث
 آمده که منافقان با هم نور باشد لیکن آن نور بر صراط منطفی شود و منافقان مومنان را بگویند که
 نظر کنید با ما هم از نور شمار و شنی گیریم مومنان گویند **لَا تَجْعَلُوا دُكُكُمُ فَالْقِسْمُ** نور را که یعنی
 بازگردید پس پشت خود جائیکه حق تعالی نور در مومنان تقسیم کرده آنجا نور طلب کنید یا آنکه
 دنیار و دید آنجا ایمان و اعمال صالحه کسب کنید که این نور از آن است آنگاه مومنان را دیواری
 مثل دیوار قلعه پیش آید در آن دیوار در باشد مومنان از آن در گذرند و منافقان بیرون
 باشند اندرون آن دیوار رحمت باشد نسیم بهشت و بیرون آن عذاب و دوزخ منافقان
 مومنان را آواز دهند آیا ما بشما نبودیم بر ملت اسلام مومنان گویند آری شما ما بودید لیکن
 نفس خود را فرستید یعنی کفر و مصیبت انداختید که عقائد فاسده و اعمال خبیثه اختیار نمود
 ظاهرا و آیات و احادیث که دلالت دارند بر نبودن نور منافقان را مراد از منافقان آنکسند
 که در باطن کفر دارند و بنابر تفسیر و استهرا کلمه شهادت میگویند آنها را نور نباشد که اصل نور با
 ست و ایمان بقلب تعلق دارد و در احادیث که وارد شده که منافقان را نور منطفی شود
 مراد از اصحاب توحید از فرقهای مبتدعه باشد و افاض و فحواج و معتزله و مانند شان که
 نور ایمان آنها از دود بدعت منطفی شود فائده رسول فرمود صلی الله علیه و سلم نماز نور باشد

بر صراط و کسی که در تاریکیها بمساجد رود و نور تمام باشد روز قیامت و فرموده هر که سوره یوسف
خواند روز جمعه او را از زیر قدم تا آسمان بلند باشد روز قیامت و فرموده مردی صالح اگر در دنیا
کور شود او را نور باشد روز قیامت و فرموده هر که تیر انداخت در راه خدا او را نور باشد
روز قیامت و فرموده هر که گنبد در بازار را از هر سو نور باشد روز قیامت و فرموده هر که
سخنی از مسلمانان دور کند او را شعله باشد از نور بر صراط که از آن دشمنی پذیرد عالمی که احاطه
نکند آنها را اگر رب الغزت و فرموده که پیر کنید از ظلم برستی که ظلم تاریکیها باشد روز قیامت
فصل چنان محشر را و دوزخ محیط باشد برای رفتن بسوی جنت بر پشت و دوزخ پل باشد
که از صراط گویند بارگیز از موی تیز تر از شمشیر و بران پل گلوها و خاها باشد کافران و منافقان
در دوزخ افتند و بر صراط عبور نتوانند کرد و مومنان از آن بگذرند بقدر اعمال خود بعضی مثل پل
و بعضی مثل باد تند و بعضی مثل اسب تیز رو و بعضی مثل شتر تیز رو و بعضی مثل پیاده جلد رو
و بعضی مثل پیاده سست قدم و بعضی غریبی و وقت مجروح شده پنج کشیده نجات یابند و بعضی
گناهان خود در دوزخ افتند و حدیث آمده که هر که واسطه شود بسو یا شاه برای حاجت براری مسلمانان
حق تعالی او را در گذشتن بر صراط مدد فرماید و هر که بخوبی صدقه دهد بخوبی از صراط بگذرد و در حدیث آمده
که هر که مردم به سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آموزد و بچشم زدن بر صراط دیر نکند و آزار و هب بن منبه مرد
داود علیه السلام از حق تعالی پرسید که جلد رو تر بر صراط که باشد فرمود که سائیکه از حکم من باطنی باشد
وزبان شان نذر تر باشد و این مبارک و ابن ابی الدنیا از سعید بن ابی هانی روایت کرد که صراط
روز قیامت بر بعضی مردم باریک است از موی باشد و بر بعضی مثل دایه بین ریح تعالی میفکند
وَلَنْ مِّنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا ثُمَّ نَجَّيْنَا الَّذِينَ اتَّقَوْا مِنَّا ذُرًّا
الظَّالِمِينَ فِيهَا جَنَّتِيَّاهُ عَنِ نَبَاكَ اَزْ شَاكْسِي مَكَوَارِ شُوْد دُوْزَخِ رَا هَسْت اِيْنَ اَمْرِ بَرْدُوْكَ اَوَّ
لازم حکم کرده شده بستر نجات و بهیم تقیان و بگذریم ظالمان را در آن برزخ و افتاده مراد از دوزخ و جهنم
نهین گذشتن است بر صراط که بر پشت و دوزخ باشد بعضی مردم چون داخل بهشت شوند بگویند ای

آرد
نکند
نم
ایک

و عده کرده بودی بورد و دوزخ ماد دوزخ را ندیدیم حکم شود که چون شما از دوزخ گذشتید دوزخ سرد شده
 و طبرانی از یحیی بن اسیه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که دوزخ روز قیامت مسلمانان
 گوید که زود بگذرای موسی که نوره آتش را سر در کرده در حدیث آمده که هر کس که از اولاد او پیش از بلوغ مرده
 دارد دوزخ نشود و گمره گذر و در حدیثی آمده که هر که گسبانی مسلمانان کند از کفار برای خدا و دوزخ وارد نشود
 مگر بجهت قسم در صحیح بخاری از ابی سعید خدری مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که چون مؤمنان
 از آتش نجات یابند جسمنی ده شوند بر پایی که میان دوزخ و بهشت باشد پس قصاص گرفته شود بعضی را
 از بعضی در مظالم چون ازان پاک شوند داخل بهشت شوند پس قسم کسی که جان محمد در دست اوست که هر
 از شما خانه خود را در بهشت راه یابد چنانچه خانه خود در دنیا می شناسد علما در تفسیر این حدیث اختلاف
 کرده اند بعضی میگویند که این پل دیگر باشد بعد صراط و بعضی میگویند که بر کنار همان صراط بر آید
 قصاص با هم استاده کرده شوند و ظاهراً است که این قصاص سواي آن قصاص با پیش از
 صراط شده آن قصاص دخول دوزخ باشد و این قصاص بحسب باشد از دخول جنت تا وقتیکه منتهی شود
 فصل جماعتی از مسلمانان چون آتش دوزخ بسبب اعمال صالحه نجات یابند و بسبب بعضی معاصی
 دخول جنت نتوانند کرد و قلعه که میان بهشت و دوزخ باشد مجوس باشند آن قلعه را اعراف گویند
 رسول فرمود صلی الله علیه وسلم اعراف سوریست میان بهشت و دوزخ و اصحاب اعراف گناهکارند
 که مجوس باشند حکم خدا بر سر دیوار اعراف برده و دوزخیان را بسیار دوی و بهشتیان را بسفید دوی
 بشناسند چون بسوی این بهشت بینند دخول بهشت را طمع کنند و چون بسوی دوزخیان بینند از
 حال شان پناه جویند خدا آخر کار حق تعالی آنها را داخل بهشت سازد و قوله تعالی **أَهْلُ الْإِيمَانِ**
أَقْبَمُ ثَلَاثًا لَنَا اللَّهُ بِرَحْمَةٍ أَدْخَلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ
 و در حدیثی آمده که اصحاب اعراف مردان باشند که در راه خدا شنیده شده باشند لیکن با فریادان
 باشند بسبب شهادت داخل دوزخ نشوند و بسبب محصیت پدران داخل بهشت نشوند تا وقتیکه گو
 و چرب شان خشک شود آن زمان حق تعالی بر حمت خود آنها را داخل بهشت کند ازین حدیث مستفاد است

در حدیثی آمده که هر کس که از اولاد او پیش از بلوغ مرده دارد دوزخ نشود و گمره گذر و در حدیثی آمده که هر که گسبانی مسلمانان کند از کفار برای خدا و دوزخ وارد نشود مگر بجهت قسم در صحیح بخاری از ابی سعید خدری مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که چون مؤمنان از آتش نجات یابند جسمنی ده شوند بر پایی که میان دوزخ و بهشت باشد پس قصاص گرفته شود بعضی را از بعضی در مظالم چون ازان پاک شوند داخل بهشت شوند پس قسم کسی که جان محمد در دست اوست که هر از شما خانه خود را در بهشت راه یابد چنانچه خانه خود در دنیا می شناسد علما در تفسیر این حدیث اختلاف کرده اند بعضی میگویند که این پل دیگر باشد بعد صراط و بعضی میگویند که بر کنار همان صراط بر آید قصاص با هم استاده کرده شوند و ظاهراً است که این قصاص سواي آن قصاص با پیش از صراط شده آن قصاص دخول دوزخ باشد و این قصاص بحسب باشد از دخول جنت تا وقتیکه منتهی شود فصل جماعتی از مسلمانان چون آتش دوزخ بسبب اعمال صالحه نجات یابند و بسبب بعضی معاصی دخول جنت نتوانند کرد و قلعه که میان بهشت و دوزخ باشد مجوس باشند آن قلعه را اعراف گویند رسول فرمود صلی الله علیه وسلم اعراف سوریست میان بهشت و دوزخ و اصحاب اعراف گناهکارند که مجوس باشند حکم خدا بر سر دیوار اعراف برده و دوزخیان را بسیار دوی و بهشتیان را بسفید دوی بشناسند چون بسوی این بهشت بینند دخول بهشت را طمع کنند و چون بسوی دوزخیان بینند از حال شان پناه جویند خدا آخر کار حق تعالی آنها را داخل بهشت سازد و قوله تعالی **أَهْلُ الْإِيمَانِ** **أَقْبَمُ ثَلَاثًا لَنَا اللَّهُ بِرَحْمَةٍ أَدْخَلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ** و در حدیثی آمده که اصحاب اعراف مردان باشند که در راه خدا شنیده شده باشند لیکن با فریادان باشند بسبب شهادت داخل دوزخ نشوند و بسبب محصیت پدران داخل بهشت نشوند تا وقتیکه گو و چرب شان خشک شود آن زمان حق تعالی بر حمت خود آنها را داخل بهشت کند ازین حدیث مستفاد است

که از شهادت هر چند گناهان آمرزیده شوند که السیف محی الذنوب آمده اما حقوق العباد آمرزیده نشود
و این مسعود رضی الله عنه گفته که هر کس که حسنات او از سیئات بیک حسنه بنیزاید داخل بهشت شود
و هر که سیئات او از حسنات بیک سیه فزاید داخل دوزخ شود و هر که حسنات و سیئات او برابر باشد
آنها بر صراط مجوس باشند آنها اهل اعراف اند نور مومنان و مومنان را به بهشت رساند و نور فغان
منطقی شود و اصحاب اعراف را نور منطقی نشود و مانند طمع و خوار جنت دارند و آخر کار داخل جنت شوند
غرض که اعراف را منزله بین المنزلتین نباید دانست چنانچه بعضی اهل ابواء گفته اند چرا که در آخر اخلاص
فصل شفاعت اگر م الرسل صلی الله علیه و سلم و دیگر انبیاء و صدیقان شهدا و اولیا و علما و صالحان
طفالان که صغیر مرده باشند و شفاعت اعمال صالحه از تلاوت قرآن نماز و روزه و صدقه و مانند آن
حق است هر که حق تعالی اذن کند و هر وقت که اذن شود شفاعت کنند و شفاعت شان قبول شود
بعضی کسان را در قبر شفاعت در رسد رسول صلی الله علیه و سلم سوره ملک را گفته هی المانع هی
المنجة من عذاب الله و بعضی را در عرصات رسد مستحق دوزخ داخل دوزخ نشود
و بعضی احد دخول دوزخ بشفاعت از انجارائی یابند و بعضی در بهشت بشفاعت درجات عالی
میسر شوند رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که حق تعالی مرا اختیار داده در میان آنکه نصف امت من
و بر وایتی و ثلث امت من بخیر حساب و عذاب داخل بهشت شوند و در میان شفاعت برای امت خود
شفاعت اختیار کردم و آن برای هر مسلمان باشد درین باب احادیث بسیار مذکور و رسول صلی الله
علیه و سلم که شفاعت من باشد برای کسانی که گناه کبیره کرده باشند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم
خوب فرمدم من برای بدان از امت خود مردم گفته چگونه یا رسول الله فرمود بدان بشفاعت من در
بهشت رود و نیکان با اعمال خود روند و فرمود که شفاعت کرده باشم که او با شتم تا آنکه گویم که اسی
پروردگار شفاعت من قبول کن بدر حق هر کس که لا اله الا الله گفته حق تعالی فرماید قسم من
و جدال من که هیچ کس را در دوزخ نگذارم که لا اله الا الله گفته باشد و فرمود علیه السلام که هر که اذان
شنیده گوید اللهم رب هذه الدعوة التامة تا آخر او شفاعت من باشد

و فرموده که مردی از اهل جنت مُشْرِف شود بر دوزخیان مردی از اهل دوزخ گوید ای فلان تو مرا شکی
 گویدی گوید که من آنکس هستم که تو از من آب خواستی من ترا آب خورانیدم مرا شفاعت کن آن مرد از خدا
 کند او از آتش براید مردی را گوید من آب خورادم بودم مردی دوزخی مردی ششی را
 گوید یا واری که تو مرا برای کاری فرستادی من ترسم و کار تو کردم و شفاعت کند و رسول فرمود
 صلی الله علیه و سلم در تفسیر قوله تَقَابُؤُهُمْ لَاحِقُهُمْ و یَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ مراد از
 یزیدیم من فضله شفاعت است برای دوزخیان کسانی که با ایشان در دنیا نیکی کرده بودند و فرمود
 که حافظ قرآن را که حلال را حلال داند و حرام را حرام داخل جنت کرده شود و شفاعت کند و هر کس
 که آتش برای شان واجب باشد و فرمود طفلان مسلمین نیز عرض شفاعت کنند و شفاعت شان
 قبول شود و در حدیثی آمده هر کس سه مرتبه باشد بر دروازه بهشت استاده باشند آنها گرفته
 که در بهشت بروید گویند چگونه رویم پدر و مادر را داخل نشده اند و مرتبه دوم یا سوم گفته شد
 شما پدر و مادر شما و فرمود که روزه و قرآن شفاعت کنند روزه گوید که من این را از خوردن و شستن
 بازداشته بودم شفاعت من قبول کن قرآن گوید که من این را از ختن بازداشته بودم و حج را
 روز قیامت لب و زبان باشد شهادت دهد برای کسی که بوسه داده بر او رسول فرمود صلی الله علیه
 لغت گویند گان روز قیامت شاید و شفیع نباشند اگر کسی گوید که چون از شفاعت رسول
 صلی الله علیه و سلم است او از آتش بیرون شدند بشفاعت دیگران چه حاجت باشد گفته شود که شفاعت
 دیگران از علما و صلحا و غیرهم داخل شفاعت آنحضرت است که بدولت متابعت آنحضرت مرتبه شفاعت
 یافتند حق تعالی برای اظهار شرف آنها آنها را مرتبه شفاعت داده در حدیثی طویل از ابی سعید
 مردی است که رسول صلی الله علیه و سلم فرموده چون مومن از آتش ربائی یابند و از صراط بگذرند در جناب
 برای برادران خود که در دوزخ باشند از شفاعت مبالغه برارند و گویند ای پروردگار اینها با ما ساز
 روزه و حج میگردند حکم شود که برارید هر کرا بشناسید حق تعالی آتش بر صورت های مسلمانان حرام کند
 صورت های شان محال باشد پس برارند خلقی کثیر را گویند یا رب حالا از آنها کسی مانده که امر کردی حکم

این حدیث تمام در بیان شفاعت
 است و در بیان آن و از قول
 ابی ایمنه از اهل فضل است

که باز بر وی و هر که در دل او بقدر دنیا را یمن باشد ویرا براید پس در آن آرزو خلقی کثیر را باز حکم شود که بر او
 و بر او کسی را که در دل او مثل مورچا یمن باشد پس بر او خلقی کثیر را از او بگویند یا رب حالا نکند اشتیم در دوزخ
 هیچ چیز پس حق تعالی بفرماید که فرشتگان شفاعت کردند انبیا شفاعت کردند مسلمانان شفاعت کردند
 و باقی نماند مگر ارحم الراحمین **فَيَقْبِضُ قَبْضَهُ مِّنَ النَّارِ** یعنی حق تعالی یک قبضه از دوزخ بگیرد
 پس بر او دوزخی را که گاهی هیچ عمل نیک نکرده است مثل انگشت شده است پس میزد و حق تعالی آنها را در
 نهری بر روی هشت آزار نهضات گویند پس این چنانچه دانه می روید و در پیل پس بر ایند مثل دانه و در
 در گردنهای شان مهر باشد این هشت گویند که اینها آزاد کرده خدا اند و باقی ماند یک و میان دوزخ و
 بهشت روی او بسوی دوزخ باشد سوال کنند از خدا که روی من از دوزخ بگردان حق تعالی فرماید که چیر
 دیگر سوال نکنی او عید کند که نکند حق تعالی روی او بسوی بهشت کند و تا زکی جنت بیند مدتی خاموش ماند
 باز گوید که مرا نزدیک دروازه بهشت کن حق تعالی فرماید که تو عید کرده بودی که دیگر سوال نکنم باز از او عید
 که دیگر سوال نکنم بر دروازه بهشت برو مدتی آنجا خاموش باشد باز سوال کند و خون بهشت راح حق تعالی فرماید
 عید کرده بودی که سوال نکنم و گوید آئی مرا بهشت ترین خلق کن و حاکم کرده باشد تا که حق تعالی بخندد و او را به
 و بفرماید که آرزو کن آرزو کند تا که منقطع شود و آرزو او حکم شود که آنچه آرزو کردی ترا باشد و ده چند زیاده از آن
 فصل رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که رحمت راح حق تعالی صد حصه کرده یک حصه در جمیع خلایق تقسیم کرده
 و نود و نه حصه نزد خود داشته که روز قیامت دوستان خود را خواهد کرد و فرمود که قسم بخورم الله را که هر که
 که ابلیس میدارد شود و بیشتر رحمت او تعالی قاریان قرآن علماء را باشد حق تعالی میفرماید **لَا أُقْرَبُ أَقْرَبًا**
الْكِتَابَ الَّذِي نَصُفِّقُنَا مِنْ عِبَادِنَا فَنَهُمُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ وَمِنْهُمْ مَّقْصِدٌ وَمِنْهُمْ
مَكَايِدٌ بِالْخَيْرَاتِ يَأْذِنُ اللَّهُ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ جَنَّاتٌ عَلٰى يَدِ الْخُلُقِ
 یعنی بعد انبیا سابق و ارث کتاب کردیم کسانی را که برگزیدیم از بندگان و پس بعضی از آنها را نامشانند
 بر نفس خود بگنایان و بعضی از آنها ساینه رو باشند و بعضی از آنها سبقت کنند بهشت به نیکبایان و بعضی
 بهین است فضل بزرگ شتهای پیشک را داخل شوند که نمره در آن جاری باشند رسول فرمود صلی الله علیه و سلم

این لفظ را حفظ کن
 در توصیف بهشت
 از دوزخ انداز
 تو بهشت و
 لفظ است با
 مخلوقین
 من اسما و
 من ذهب
 و انوار او
 لبا صفا
 حرام ۱۵

سابقان داخل بهشت شوند بجز حساب و میانه روان حساب بسیر شود و ظالمان در طول محشر مجبور باشند به سترخت
 آنهار را تلافی کنند بگویند **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُوكِي**
 و فرمود که حق تعالی را فرماید که من علم خود در شما نداده بودم مگر آنکه اراده مغفرت میدادم بر شما بر هر چه شما اید و با
 فائده بهترین مسلمانان نزد خداست و فریق اند شهادت که جان خود را داده خدا نازل کردند و دوم علما که
 و حواس خود را در راه خدا نازل کردند سوم اسخیا که مال خود را در راه خدا نازل کردند لیکن اخلاص شرط است
 که نیت خالص باشد و گرنه اول بد و زرخ روند مسلم از ابی هریره روایت کرد که رسول فرمود صلی الله
 علیه و سلم اول کسی که حکم کند بروی حق تعالی شهید باشد حق تعالی گوید که چندین نعمت بتو دادم تو
 چه عمل کردی گوید که در راه تو شهید شدم فرماید که دروغ گفتی قتال کردی برای آنکه مردم ترا جری و شجاع
 پس گفته شد حکم شود که او را کشیده بد و زرخ اندازند و دوم عالم که حق تعالی نعمتها باد داده پرسد که چه
 عمل کردی گوید که برای تو علم آموختم و مردم را تعلیم کردم و قرآن خواندم و خوانانیدم حق تعالی فرماید که دروغ
 گفتی بلکه تعلیم و تعلم کردی تا که ترا مردم عالم و قاری گویند پس گفته شد حکم شود بد و زرخ انداخته شود سوم
 مردی که او را حق تعالی مال داده او بر صنف مال مردم بخشیده چون نعمتها خدا باد داده از او پرسد که
 چه عمل کردی گوید که در راه تو مال بر صنف خرج کردم حق تعالی فرماید که دروغ گفتی نمیدادی مردم را
 مگر تا که ترا جواد گویند و گفته شد حکم شود بد و زرخ انداخته شود پس در هر عمل نیت خالصه است
 شرط قبول است رسول فرمود صلی الله علیه و سلم **إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ** عمل مقبض نیست مگر به نیت
فصل الإيمان بين الخوف والرجاء ابو نعیم از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول فرمود
 صلی الله علیه و سلم که یکی را از انبیای بنی اسرائیل وحی شد که طاعت کنندگان مرا بگو که بر عجل خود تکلیف کنند اگر
 بنده را حساب کنم و خواهم که او را عذاب کنم البته او را عذاب کنم یعنی در حساب کسی نمی توان برآمد مگر آنکه بگوید
 که از رحمت خدا ناامید نشوند که من گناهان کبیره را نمی بخشم و باک ندارم و طهرانی از او آید بن استغفر روت کرد
 که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که روز قیامت بنده باشد که هیچ گناه نکرده حق تعالی از او گوید چه بخواهد
 اگر خواهی حساب اعمال ترا جزا دهم و اگر خواهی بفضل خود او گوید آئی تو ذاتا تری من گناهی نکرده ام نگاهم

و نیت خالصه است
 خدای را که برادران
 اندوه را پیشک
 بود و کار را باری
 آتشده و قدرش است

این بیان در بیان
 جزو است

که نعمتی را از نعمتهای من مقابل عمل او کنید اونی نعمت از نعمتهای خدا بجهت اعمال او را فرگیرد و انگاه آن بندگی
الکی بفضل رحمت خود را بخش و بزار از انس رضی الله عنه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود
دفاتر سه اندکی در قنات دوم و قنات سیات سوم و قناتهای خدا اگر خدا حکم کند اونی نعمت نکند
در گیر و گناهان باقی مانند و اگر فضل فرماید گناهان را و نعمتهای را بخت و حسنات را مضاعف کند

باب سوم در صفت جهنم و عذاب کفار و عوذ بالله منها

طبرانی از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت کرده که جبریل نزد آنحضرت صلی الله علیه و آله آمد و گفت
آنحضرت پرسید که چه حال است گفت نیامده ام نزد تو مگر بعد از آنکه حکم فرمود حق تعالی بکلیه جهنم یعنی تمام
دیده آمده ام فرمود و صف کن برای من آتش را گفت حق تعالی امر کرد تا آتش هزار سال افروختند تا
سفید شد پستری از سال دیگر افروختند تا که سرخ شد پستری از سال دیگر افروختند تا که سیاه شد پس
آن سیاه و تاریک است روشن نیست شر آن و کم نمیشود و سوزش آن قسم کسی که ترا فرستاده
بجای که اگر سوراخی شود از دوزخ بقدر سوزن اهل زمین بهمه میرند از گرمی آن اگر فزونیگان عذاب در جهنم
ظاهر شود کسی از آنها بسوی دنیا و اهل زمین را بپیشند بهمه میرند از زشتی روی او و بد بوی او و اگر حلقه
از زنجیر دوزخیان که در آن مذکور شده نماده شود بر کوهها دنیا بر آینه فرو رود تا زمین سفلی هرگاه چنان
دوزخ را پیدا کرده دلهای ملائکه از دشت آن پریدند چون آدم علیه السلام مخلوق شد دلهای ملائکه
قرار گرفت در تحقیقین است که آنحضرت فرمود که هر چند در دوزخ خلق انداخته شود و دوزخ مثل جهنم است
گوید تا که رب العزت در آن قدم نهد آن زمان بعضی از آن بسوی بعضی پیچد و گوید پس پس دوزخ در
سفلی است یعنی زیر زمین و بهشت بالای آسمان بهشت از دوزخ است که چون قیامت
قامت شود خلق که پیشش سقر است از سقر دور شود و از آن آتشی بر آید و دریا که بر جهنم است
و حاجز است میان جهنم و بهشت طبق زمین در چشم زدن افروخته کنند بهمانست سجده
فصل جهنم را بهشت در که است و بهشت درستی یکی بالای دیگری دیگر هر دو جماعتی است که

اینجهنم
را بهشت

اول شان چشم است در آن عذاب کبر ترست بر آگنگاران این امت پست تر از آن نظمی از آن پست سحر
 از آن پست خطمه زیر آن سقر زیر آن چشم پست تر تا وید منافقان در درک اسفل باشد از دوزخ مسلمانان
 را بایک همیشه از دوزخ بحق سبحانه پناه جویند از مجاهد مرویست که بنده را امر کرده شود که در دوزخ اندازند
 دوزخ با هم چید گفته شود که چه حال است دوزخ گوید که این مرد از من بتو پناه میبست حکم شود که این را
 بگذارند یسقی روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم نمی خفت تا که تبارک و حم سجده
 نمی خواند و فرمود که حم تا هفت اند و در بای جنم هم هفت اند حم سجده از آن روز قیامت
 بر روی اند در بای جنم بایستد و بگوید که آتی داخل نشود از این در که یکم با من ایمان شد و مرا می خواند
 فصل موکلان جنم نوزده فرشته اند مالک رئیس آنهاست هزار سال پیش از خلقت جنم مخلوق شد
 و هر روز قوت شان زیاده میشود و هر یک از آن آنگاه هست که در میان دوشان صد ساله زانست
 در دلهای شان رحمت مخلوق نشده و با هر یک از آن گزشت و مالک آنگاه تانست بعد و هر دو در میان
 کسی در دوزخ نیست که مالک او را از یک انگشت خود عذاب نمیکند و قلمی گفته نوزده سردارند و موکلان
 جنم بشمارند و دلیل واد است و جنم عمیق که کافر در وی تا چهل سال فرود میرود پیش از آنکه در قعر او رسد و در او
 که در وی دم دوزخیان جاریست و صغور و کبیر است و جنم در هفتاد سال جنمی با عکس آن رسد و باز از آنجا
 فرو افتد همچنین تا ابد باشد و در روایتی آمده که صغور است که اگر مردی است رسد که از شود و چون دست برد
 باز دست درست بشود و همچنان فرود صلی الله علیه و سلم که اگر سنگی بوزن ده ورم از لب جنم انداخته شود
 تا هفتاد سال پایین او رسد و در نهایت آن نمی است و تا نام و آن هر دو نماند از یم دوزخیان و موبقی
 وادی عمیق است روز قیامت فاصل باشد در میان مسلیین و کفار از اهل دوزخ در صحیحین است که دوزخ شکایت
 کرده بسوی پروردگار خود و گفت که از شدت حر بعضی اجزای من بعضی را خورده حکم شده او را بدو دم
 دم بسردی که از سردی او در دنیا سر می شود و دمی گرمی که از گرمی او در دنیا گرمی که از سردی او در دنیا سردی
 فصل کافران را پارچه از آتش باشد و نیز پیرهنها از مس که خسته شده شدید الحرارة و سبب بنده شد
 اهل دوزخ را پوشاک باشد و برنگی برای شان بهتر است از پوشاک حیات باشد و موت برای شان بهتر است

و حیات و برآنی روز خیان نمیشد و لحافها از آتش و دوزخیان نیز بخیر باشند که بفتاد و گز طول آن نیز بخیر باشد
 بر گز از این بفتاد و باغ تبرایع مقدار را پس بکند و گوشت اگر تمام آهن نیا جمع کرده شود بیک حلقه از بخیر و دوزخیان
 آن نیز بخیر را از در آنها داخل کرده و از دهن بر آورده بر دوش پیچیده شود و جسم بالای سر کافر ریخته شود و پس بر شکم
 و فروریزد و پنجه در شکم باشد در قدش باز به چنان درست شود و باز جیمیم بر شکم شود و طعام و دوزخیان قوم
 باشد اگر قطره از آن در رویا افتد زندگانی اهل دنیا فاسد کند و قوم درختی باشد از شدت گر سنگی آدمی
 از وی بدندان گیرد آن درخت از آدمی همان قدر گیرد که در دین طعام و دوزخی ضریع باشد رسول فرمود صلی
 علیه و سلم ضریع چیست در دوزخ شبانه خاریخ ترا از صبر و بدو ترا از حیفه و گرم ترا از آتش و قتی که بخورد
 صاحب او نه در شکم فرورد و دنیا از دهن بر آید و گوشتی باشد نه فرزند کند و نه گر سنگی و در سازد و نیز طعام و دوزخیان
 غسلین باشد یعنی ریم و دوزخیان و شتر آب شام جیمیم باشد یعنی آب در غایت گری و غشاق یعنی آب و
 مودی در غایت سردی و در حدیث آمده که اگر یک دلو غشاق در دنیا افتد تمام دنیا بدو شود و از آب
 مردیست که غشاق چشمه ایست در دوزخ که در آن زهرهای تمام جانوران زهر دار باشد ایشان را
 در آن غوطه داده شود و گوشت و پوست از استخوان جدا شده در پای افتد و آنرا مثل بار چوب کشد و تری
 از ابی الدرداء روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم گر سنگی بر کافرا غالب کرده شود و حدی که
 برابر همه عذابها باشد پس فریاد کنند و طعام خواهند طعام داده شود که در گلو بسته شود پس یاد کنند که دنیا
 از آب طعام را از گلو فرو می بردند فریاد کنند و آب خواهند پس جیمیم بگلو بهای آهنی نذر و نای شان کرده شود
 از گرمی آب روی شان بریان شود چون در شکم داخل شود و پنجه در شکم از احساس قطع کند انگاه خازنان
 دوزخ را گویند و عاکنید از پر و در کار که یکروز از عذاب کم کن خازنان گویند که رسولان نرو شما نیامده بود
 گویند که آمده بودند خازنان گویند شما و عاکنید نیست و عای کافران مگر در گمراهی یعنی ناقبول است مالک
 گویند ای مالک عاکن که حق تعالی ما را بیداند مالک بعد از رسالی جواب بده که شما همیشه در عذاب باشید
 انگاه از حق تعالی دعا کنند ای پروردگار ما بدخنی ما غالب شد و ما قومی گمراه بودیم ما را از دوزخ برار اگر
 باز نفر کنیم ظالم باشیم حق تعالی جواب بدهد حق تعالی که او را شکست یعنی دوزخ و دوزخ و سخن گویند انگاه

این مقدار است
 هر دو دست

این کلام آیت الهی که بدان
 این کلام بکسبند

در زیر وصرت باشند در روایتی آمده که این جواب بعد مدت عمر دنیا شنوند و در روایتی آمده اهل دوزخ را
 پنج دعا باشد اول گویند ای پروردگار مرده کردی ما را و بار زنده کردی ما را و بار اقرار کردیم گناهان
 خود آیا ما را باشد را بهی بسوی بر آمدن از دوزخ جواب دهد حق تعالی این عذاب از انست که چون مردم
 توحید میکردند شما اعتقاد بشکر میکردید و شرک میکردید پس حکم مقرر است نه دیگری را یا زنده
 کنند آنکی ما دیدیم و شنیدیم ما را باز بدینا بفرست تا عمل کنیم بکوه جواب یا بشنید این عذاب را
 شما فراموش کرده بودید این روز را ما شمارا فراموش کردیم چشید عذاب را همیشه سبب اعمال خود باز
 گویند ای پروردگار فرصت ده ما را تا تا قریب یعنی اندک در دنیا قبول کنیم دعوت ترا و پیروی کنیم رسولانرا
 جواب دهد خدا آیا نبودید شما که قسم میخوردید که شمارا زوال نباشد باز گویند ای پروردگار ما را از دوزخ باز
 عمل نیک کنیم غیر آنچه عمل میکردیم حق تعالی فرماید آیا عمر نداده بودیم شمارا در دنیا آنقدر که دیگران در آن عمرند
 پذیرفتند و آمدند نزد شما رسولان ترساننده از عذاب خدا اینچ شید عذاب ظالمان را کسی مددگار نیست
 باز گویند ای پروردگار ما را بختی غالب باشد و بودیم گمراه ای پروردگار ما را بر ابرار پس اگر باز کفر کنیم ظالم
 باشیم آنگاه جواب او شنوند **لَا تَحْسَبُ أَنَّكَ تَكُونُ مِنَ الْبَارِئِينَ** باز هیچ سخن نگویند رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
 که در دوزخ ما را باشند مانند گردنهای شتر بختی و کثر و مها باشد خرد ترشان مثل خنجر هرگاه میشنیدند
 رنج او تا چهل سال باقیماند در روایتی آمده که نیشش کثر و مها مثل درخت طویل از خرا باشد مسلم از ابی
 روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که بدن کافر آنقدر فراخ کرده شود که دندان او مثل کوه احد باشد
 و پری پوست او مسافت سه مرحله راه در روایتی آمده که مقعد او از کتبه مایه و در حدیثی آمده که تا
 نرمه گوش تا دوش کافه فصد سه ساله راه باشد آتش بدن کافر خورده تا که رسد بر دل او باز نیش
 درست شود باز همچنان کند تا ابد معاذ رضی الله عنه گفته که در یک ساعت صد بار جلد کافر سوخت شود
 و باز درست گردد و عمر رضی الله عنه گفت چنانچه از رسول صلی الله علیه و سلم شنیدم و بر روایتی در ساعتی
 صد و بیست و بار تبدیل جلد شود و بر روایتی شش هزار بار و از حسن بصری مرویست که در روز
 هفتاد هزار بار و جمع روایات متعدد اشخاص کفار میتوان کرد و نیز چون در ساعتی شش هزار بار

این حدیث را
 در کتاب اهل دوزخ
 آمده است

در روز که دوازده ساعت باشد هفتاد و دو هزار میشود باستقامت کسر جمع این دور وایت میشود
 و از خدیفه مرویست که در جهنم درندگان و سگان و گاوها و شمشیرها از آتش باشند ملائکه کافران را بدان
 کلاب قطع کنند و از آن شمشیرها عضو عضو جدا کرده پیش سباع و سگان بیندازند و هر بار که عضوی
 را برین بجای آن عضوی دیگر قلم شود و در حدیثی آمده که آتش روی کفار را آنچنان کند که لب بالا
 کشیده شود تا نیم سرسد و لب پایین فرشته تا ناف رسد و عباس در تفسیر قوله تعالی **فَلْيَحْضَرُوا**
فَلْيَلَاؤُا لِكَيْلاَ يَكْتُمُوا گفته اند که دنیا قلیلست و دنیا هر قدر خواهند خندند چون دنیا منقطع شود
 گریشان منقطع نگردد و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که دوزخیان گریه کنند تا که آب چشم منقطع شود و از آن
 خون بگریند و در رویهایشان خند قما شوند که اگر گشتیها در آن بگذرانند جاری شوند و فرموده که دوزخیان
 مدتی آب چشم ریزند بستر مدتی ریخند پس خزان جهنم گویند ای بد بختان شما در دنیا نگرستید حال
 فریاد رس دارید از زمان از اقربایی خود که هشتیان باشند ندانند انی جماعه پدران و مادران فرزندان
 برآمده ایم از قبور تشنه و در طول موقف تشنه مانیم و الحال تشنه ایم بریزید بر آب یا آنچه خدا بشما
 داده است بعد چهل سال از انجا جواب یابند که حق تعالی آب و غیره بر کافران حرام کرده است دوزخیان
 در دوزخ زفر و شقیق باشد یعنی آوازی شدید و آوازی ضعیف مثل آواز خر از ابل و دوزخ کمتر و عذاب
 کسی باشد که او را انگلیس از آتش باشند که از آن مانع او جوشد چنانچه دیگر میجوشد و اندک کسی از من
 عذاب سخت تر نیست حال آنکه او کمتر است در عذاب عباس رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه وسلم پرسید
 که ابوطالب حمایت تو میکرد و او را چیزی نفی کردی فرمود آری او در ضحضاح آتش است
 اگر من نمی بودم در درک اسفل می بود و ضحضاح آبی قلیل را گویند که تا شتا لنگ باشد
 یا کمتر از آن در حدیثی آمده که ابوطالب را انگلیس است از آتش که از آن دماغ او میجوشد

باب چهارم در عذاب گنایبگاران از مسلمانان

رسول فرمود صلی الله علیه وسلم دوزخیان در آتش نازند با شمشیر یعنی بزندگی راحت و نه مرده باشند

و بعضی کسان را آتش رسد پس میرند مثل انگشت شوند پس حکم شود بشفا عتبات آنها را بر آورد و بر
 نه که بهشت انداخته شوند و این بهشت را حکم شود که بر آنها آب بریزند پس آنها مثل سبزه برویند و در حد
 آمده که گرمی و زنج بر امت من مانند گرمی حمام باشد یعنی در حق بعضی کسان فرموده که بعضی در خیابان را آتش
 تا شتابان باشد و بعضی را تا زانو و بعضی را تا سینه و بعضی را تا حلق و بعضی را تا سر فرموده زنان اگر میبار
 اکثر اهل دوزخ دیدم زنی گفت چرا فرمود شما لعنت بسیار بگوید و کفر لغت شوهران میکنند و نیز در حق
 فرموده که آنها عطا شکر میکنند و بر ملاصبر میکنند و فرمود که مردی را در دوزخ انداخته شود پس هر روز آنجا
 پس او را آتش گردش کند چنانچه هرگز و آسیا میگردد و دوزخیان جمع شوند و بگویند ای فلاحی حالت ترا تو را
 امر معروف و نهی از منکر میگرددی گوید که من شما را امر معروف میگردم و خود آن کار نمی گردم و نهی از
 منکر میگردم و خود مرتکب آن بودم و فرموده که سخت تر در عذاب مردی باشد که طلب علم میتواند کرد
 طلب علم نکرد و مرد عالم که بعلم خود نفع نگرفت و فرموده که زبانی چندی کنند در عذاب قاریان ایشان از
 عذاب بت پرستان آنها گویند که شما در عذاب با جلدی کردید پیش از بت پرستان آنها گویند که
 عالم مثل جاهل نباشد یعنی معذور نباشد و در حق کسی که قلاوه یا گوشواره یا دست بند از زر و شیشه
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده که قلاوه و مانند آن از نار باشد علما این حدیث را در حق زنان
 منسوخ گفته اند یا تاویل میکنند بعد از آنکه از کلمات و فرموده هر که در ظرف زریا نقره آب خورده آتش
 دوزخ در شکم او آواز کند چنانچه آب در کوزه و همچنین بر اگر گریبان جفا بر حریر باشد و اطوق از آتش باشد
 و در همچنین است که فرمود هر که خواب دیدن ظاهر کند و ندیده باشد تکلیف داده شود که در دوزخ
 و نتواند و هر که سخن کسی را گوش نهد و او بشنیدن اراضی نباشد در گوش او سرب گداخته ریخته شود
 روز قیامت و هر که صورت ذی روح سازد تکلیف داده شود که در آن روح داخل کند و هر که علم را
 پوشیده کند او را لگام از آتش داده شود و هر که دوزبان باشد در دنیا یعنی روبرو شخصی بوضع دهن
 و غائبانه بعضی دیگر او را دوزبان باشد از آتش روز قیامت و هر که را در وضو یا شستن خشک ماند
 یا شستن او را روز قیامت و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم که در وضو انگشتان خلل کنید تا آتش

در میان شان نیاید و در صحیحین است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده که هر که از بلندی خود را انداخته بر
 همیشه در دوزخ در همین عذاب باشد و هر که زهر خورده مرده همیشه در دوزخ زهر خورده مرده باشد و هر که
 آب بن خود را گشت همیشه آهبن او در دست او باشد که در شکم میزده باشد و فرموده هر که اهل مدینه را
 بدیعی خواهد در آتش گذارد چنانچه فعلی گذاخته میشود و هر که غیبت کسی کند گفته شود که بخور گوشت او در جاست
 مردگی چنانچه خوروی گوشت او در حالت زندگی پس بخورد و بسیار رنج کشد و در حدیثی آمده که چهار
 باشد که در جحیم و جحیم بگردند و اول گویند و اهل دوزخ گویند که اینها کیستند که نزدیکی شان ما را اینک
 زیاده از ایندانی نفس خود و او را گویند ای ابجد تو ما را اینک کردی زیاده بر آنچه ما را بود یکی آنکه مال مردم را
 او باشد و او انشود او معلق باشد در تالوت از آتش دوم آنکه از رسیدن بول بسیار چه و بدن پاره
 او و معاصی خود در آتش کشد سوم آنکه از سخن در مردم لذت گیرد از دنان او و بیم جاری باشد چهارم آنکه
 غیبت نماید و همیشه گوشت خود بخورد و از قیص و بن رازان مروست که گفته عالم که از علم خود منتفع
 دوزخیان متاذهی شوند از بوی بد او و رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که فرجهای زانیان اینها و اینها
 را از بد بوی و در صحیحین است که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که بد بستی که حق تعالی بر خود لازم گرفته است
 آنکه هر که مسک خوردا و او نشان حق تعالی طینت خبال فرمود یعنی افشوده دوزخیان و در حدیثی آمده
 که هر که خمر نوشد خدا او را جحیم بنموشد و فرمود رسول صلی الله علیه و سلم که مدینه بجز گاه و خوابگاه نیست
 واجبست بر امت من گرامی کردن اهل مدینه را تا که پیشین از کبار و کسی که چنین نکند او را حق تعالی
 طینت خبال بنموشد و فرمود هر که در حق مسلمان گوید آنچه در وی نباشد خدا تعالی او را ساکنی نفع
 کند تا که بر لید از ان قول و برخوابد از ان قول فرموده که زنان نوحه گرد و وصف کرده بر جانب همین
 دوزخیان استاده کرده شود پس آواز کرده باشند بر دوزخیان مانند آواز سگان فرموده که بباد
 طالمان سگان دوزخ باشند و در صحیحین آمده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده که سخت تر عذاب مصور
 باشد و در حدیثی آمده که سخت تر عذاب روز قیامت کسی را باشد که انبیاء دشنام دهد پس کسی
 که اصحاب را دشنام دهد پس کسی را که دیگر مسلمانان را دشنام دهد و فرموده که سخت تر عذاب کسی باشد

سے آنگا تصدیق
 زی روح کشند

کنبی را قتل کرده یا نبی او را قتل کرده و بادشاه ظالم را و مستوران او فرموده که سخت تر عذاب روز قیامت
 کسی را باشد که مردم را در دنیا عذاب سخت تر میکنند و در حدیثی آمده که حق تعالی بعضی مردم را بدوخت
 حکم کند چون نزدیک است رسند و خوبی شست بپوشند حکم کند که اینها را از بهشت بازگردانیده بدوزخ اندازد
 پس آنها بجزرتی بازگردند که دیگر دوزخیان را آن حسرت نباشد بگویند ای پروردگار اگر ما را از ازل
 داخل دوزخ میکردی بهتری بود حق تعالی فرماید که همین استم که شما را حسرت و هم شهادت خلوت
 گناهان عظیم میکردید و بحضور مردم برخلاف آن میکردید از مردم همیبت میکردید از من همیبت نمیکردید و
 تعظیم میکردید و مرا نمیکردید فعل بد برای مردم ترک میکردید و برای من ترک نمیکردید امر و زمری چنانم شمار
 عذاب الیم و محروم داشتم شما را از ثواب فرموده که برای استنزال کنندگان با مردم دری بسوی شست
 کشاده شود و گفته شود یکی را از آنها برای خروج از دوزخ و او با کرم سخت آید چون نزدیک درسد در را
 بند کرده شود همیشه همچین شده باشد تا آنکه چون دروازه کشاده شود و گفته شود که بیا از ناامیدی نیاید
 و در حق چند کس در احادیث وارد شده **فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَ كَيْسٍ** یعنی باید که خانه خود در دوزخ
 سازد و کسی که پیغمبر صلی الله علیه و سلم دانسته دروغ بنده و کسی که دعوی دروغ کند و کسی که شهادت
 دروغ دهد و کسی که قسم دروغ خورده مال برادر مسلمان خورده و کسی که دوست دارد آنکه مردم پیش او تها
 باشند در حدیث وارد شده که گناهکاران سواست محمد صلی الله علیه و سلم در دوزخ انداخته شود
 روای شان سیاه شود و قیدهای آنها در پا و طوقها در گردن آنها باشد و گناهکاران است محمد صلی الله
 و سلم اگر در دوزخ انداخته شوند روای شان سیاه نباشد و نه قید در پا و نه طوق در گردن آنها را دیده
 مالک گوید که از شما خوب رو تر برین وارد نشده است شما از کدام است هستید گویند ما از امت قرآن
 هستیم از امیر المؤمنین علی دانی بر بره رضی الله عنهما روایت که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که ای کس
 از موصدان که بدون توبه مرده باشند بر که از آنها داخل دوزخ شود چشمهای شان از رقی نشود و در دوزخ
 شان سیاه نباشد و با شیاطین در یک بنجر نکرده شوند و طوق در گردن بنجر در پا نکرده شوند و جسم خنجر
 شوند و قطران نپوشانیده شوند و خلود در آتش آنها نباشد و صورتها سیاه نشود و آتش حرام کرده است

همانچہ رسوده و در مرتبه سوم گفته علی بن ابي حمزه که هر که میرد در حالیکه شرک
 نکرده باشد داخل بهشت شود و هر که میرد و مشرک باشد داخل دوزخ شود و احادیث درین باب
 بسیار اند زیاده از حد و اکثر در بعضی احادیث وارد شده که هر که شهادت دهد بتوحید و بر سالت محمد
 صلی الله علیه و سلم حق تعالی آتش دوزخ بروی حرام کرده مراد آنست که آتش مؤبد و خلود در دوزخ
 بروی حرامست بلیل دیگر احادیث که در عذاب گناهکاران از مسلمین وارد شده و آنچه ابن جهم از
 ابی هریره روایت کرده که آنحضرت فرموده که هر که لا اله الا الله گفت نفع خواهد کرد او را و
 از دشمنش از انچه او را رسد و ترندی و حاکم از انس روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم
 حق تعالی بفرماید که از آتش بر آید کسی را که روزی مرا یاد کرده و جائی از من ترسیده باشد
 فصل در صحیحین از ابن عمر مرویست چون شتیان تمام داخل بهشت شوند و همه دوزخیان یعنی کفار
 در دوزخ مانند استاده شود بانگ بنده در میان شان و او از کندای اهل دوزخ موت نیست
 و ای اهل بهشت موت نیست هر یک در آنچه موت همیشه باشد و هم در صحیحین است از ابن عمر و ابی سعید
 خدری که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که قتی که همیشه شتیان در بهشت شوند و دوزخیان در دوزخ
 مانند موت را بصورت کبش سیاه در میان دوزخ و بهشت آورده شود و گفته شود ای اهل بهشت
 و ای اهل دوزخ موت را میشناسید هر یک گردن دراز کنند و بینه و گوید آری این موتست پس او را
 فسخ کرده شود و گفته شود ای اهل بهشت خلوت و ای اهل دوزخ خلوت موت نباشد رسول فرمود
 علیه و سلم که اگر اهل دوزخ را گفته شود که شما در دوزخ باشید عدد سنگریزه دنیا بر این خوش شوند و اگر
 اهل بهشت را گفته شود که شما در بهشت باشید عدد سنگریزه دنیا بر اینه نمکین شوند لیکن بر اینها خلوت است
 از ابن مسعود مرویست که چون باقی ماند کسیکه در دوزخ مغلط باشد آنها را در صند و قهای آهنی کرده و بر آن
 میخهای آهنی زده و آن صند و قهار در صند و قهای دیگر آهنی کرده انداخته شوند پایین تر دوزخ پس هر
 از آنها داند که غیر او کسی دیگر در عذاب نیست و هم از ابن مسعود مرویست که منافقان را در صند و قهای آهنی
 در درک اسفل دوزخ در تنور با تنگ تر از میخ که کوفته شود و تیره کرده شود از اجاب الرحمن گویند

غیاث آلوده شدن
 منی اهل دوزخ را از خلافت
 ای بلیل این
 ابن جهم از ابن عمر

در کتب معتبره
 در کتب معتبره
 در کتب معتبره
 در کتب معتبره

باب پنجم در صفات جنت و در دخول مشیت و نعمت های

و نول هشت محض بفضل خداست جل و علا در همین از عالمی مضد یقه مرویست که رسول فرمود
بیشیه و سلم محکم گیرید کار خود را و نزدیکی جوید بخدا و خوش باشید بدستی که داخل بهشت خواهد کرد کسی را
عمل او گفتند یا رسول الله و نه ترا فرمود و نه مرا اگر آنکه بپوشد مرا حق تعالی مغفرت و رحمت خود و در
صحیح مسلم از جابر مرویست که آنحضرت فرموده که داخل بهشت خواهد کرد کسی عمل او و نه خلاص خواهد
کسی را از دوزخ عمل او و نه مرا اگر رحمت از خدا اینچنین در احادیث بسیار آمده و این سخن شکل میشود
بقوله تعالی ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ یعنی داخل شوید بهشت را بسبب اعمال خود و او میشود
بدانکه اصل دوزخ و نول هشت و در آن بفضل خداست چرا که خلوق غیر متناهی است و اعمال متناهی است و
تفاوت درجات جنت بسبب اعمال است تنها و از این مسعود روایت کرده که خواهند گذشت مردم
از صراط عفو خدا و داخل بهشت خواهند شد بر رحمت خدا و تقسیم خواهند کرد منازل او بهشت را
خود و فیر گوید که چون حق سبحانه تعالی اعمال محسنان را بر حمت خود قبول فرموده و برای اعمال محقر
متناهی را و نول هشت ثواب غیر متناهی مقرر فرموده بعد از آن اگر گفته شود که دوزخ جنت برای اعمال
گنجایش دارد و اگر گفته شود که دوزخ جنت بر حمت خداست هم گنجایش از دوزخانی و بهیچ از مسلمان
فارسی آنحضرت روایت کرده که هر کسی را حکم شود به نول هشت چیزی از حضور عنایت شود و این عبارت
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ الْغَزِيَّةِ الْكُبْرَى لِمَنْ يَفْلُحُ فِيهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ
بِأَلَمَةٍ قُلُوبُهُمْ آيَةٌ یعنی این خطا از اسرار غریز حکیم است برای فلان که او را داخل کنی بهشت عالی
که ثمره آن نزدیک است و چون مردم داخل بهشت شوند خازنایان بهشت گویند سلام علیکم و طیبه
فَاَدْخُلُوها خَالِدِينَ ههنا هر روز فرشته بیایند و بگویند سلام علیکم و طیبه و بگویند فی عود
عَنْهُمْ اَللّهُ بِشَيْئَانِ كَوْنِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي صَدَقَ وَعْدُهُ وَاَوْفَىٰ بِمَا اَلَا حُضْنُ بَشَرًا
مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ و بگویند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَاَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا

و در حدیثی آمده که هر یک تیر بسوی شمس خدا اندازد حق تعالی درجه او بلند کند و درجه صد ساله باشد
 و در حدیثی آمده که در بهشت صد درجه است میان هر دو درجه تفاوت آسمان زمین است و در درجه اول خانه
 تختها و در باد و دیوارها و قفله از نقره است و در درجه نهمین آن همه از زر است و در درجه سوم همه آن زیاده
 چه در اید و زبردست و نود و نوبت درجه قسمی است که نمیدانند از جرح تعالی و مسکن از ابی هر چه در
 کرده که آنحضرت فرمود آید و از کنه شمار را بر آنچه در درجه خطا یا بلند کند درجات گفتند بلی فرمود اسباب
 و ضوابط و بکارهایی در حالت ناخوش آمدن تعالی آب وضو بخوبی کند و در وقت سجده و انتظار نماز بعد نماز
 همین است ربط و پیوستگی از عایشه روایت کرده که آنحضرت فرمود که درجات بهشت بعد و آیتهای قرآن
 پس هر که داخل شود در بهشت از اهل قرآن بالای او درجه نباشد یعنی هر که تمام برکات قرآن گیرد تمام درجات
 را در گیرد و این حدیث را بران حمل نباید کرد که درجات بهشت شش هزار و شصت و شصت و شش است
 بعد از آیات قرآن بلکه حمل بران باید کرد که هر قدر که آیات قرآن را تکرار کند برای او درجات بهشت بیفزاید
 اصحاب شمس و ابن جبران از ابن عمر روایت کرده که آنحضرت فرمود صاحب آن را گفته شود که آن را بخوان
 و ترقی کن و تریل کن چنانچه تریل میکردی در دنیا و در حدیثی آمده که مردی در بهشت نظر بفوق کند و نور
 از فوق درخشد که بصر او را خیره کند بگوید که این چیست گفته شود که این نور برادر است فلان گوید که من
 او در دنیا با هم بودیم و عمل میکردیم و اینقدر او را بر من فضل چراست گفته شود که او از تو عمل افضل بود
 حق تعالی در دل او رضا دهد حسد نکند و در حدیثی سبب افضلیت مذکور شده که آنها سنگی کشیدند
 و شما سیر بودید و آنها تنگی می برداشتند و شما سیراب میشدید و آنها تشنه بیداری میکردند و شما خواب
 میکردید و در حدیثی آمده که نزد خدا درجه ایست که تا آنجا بعمل نتوان رسید حق تعالی بنده را مبتلا کند
 تا آنجا رسد و آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که در بهشت درجه ایست که نمیرسد آنرا اگر اصحاب بموم و موم
 در بهشت درجه ایست که نمیرسد آنرا اگر سه کس باشد عادل و ذورحم و صل کننده و عیالدار و
 فصل حق تعالی یفرماید **وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ**
وَمَا أَلْحَقْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ شَيْئًا یعنی کسانی که ایمان آوردند و فرزندان آنان با ایمان پیوستند و ما آنها را
 از عمل آنها چیزی نماندیم

در حدیثی آمده که هر یک تیر بسوی شمس خدا اندازد حق تعالی درجه او بلند کند و درجه صد ساله باشد

اولاد آنها بایمان یعنی آنها من بهم هستند لاحق کنیم با آنها اولاد آنها را و از عمل شان چیزی کم کنیم
 آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که حق تعالی ذریت مسلمان را بدرجه او رساند برای هر دوی ششم او
 و در حدیثی آمده که چون مرد داخل مشیت شود این مادر و پدر و فرزندان خود و هر کس گفته شود که نباید جز
 توبه سیده اند و مثل تو عمل نکرده اند گوید ای پروردگار من آنچه عمل کرده ام برای خود و برای آنها کرده ام
 پس امر شود بالحاق آنها و فرموده که هر که بلند می درجات خواهد باید که عفو کند کسی را که بر دین ظلم کرده
 و بدید کسی را که او را محروم کرده و وصل کند با کسی که از وی قطع کند و فرموده که هر که برساند بسوی باو شاه
 برادری را برای جلب نفع یا دفع ضرر خدا و جات او بلند کند و فرموده که هر که کسانت کند یا فال از بریده
 گیرد و از سفر بازماند بد درجات بلند رسد و اگر بهیتم می گفته که هر شخص هر قدر که در دنیا از طعام یا شراب
 حظ بردارد و در آخرت درجه او کم شود فقیر گوید که این قول حمل بر اسراف است و گرنه در حدیث آمده
الطَّامِعُ الشَّاكِرُ كَالصَّائِعِ الصَّابِرِ این عمر گفته که شخصی غلام خود را صلح میشت و در وجه غلام
 بلند باشد بگوید ای پروردگار این غلام من بود در دنیا گفته شود که این که خدا بیش تر از تو کرده و چیزی از
 ای بر بره روایت کرده که آنحضرت فرموده که روز قیامت حق تعالی ندانند که من نسب مقرر کرده ام
 و شما نسب دیگر گفتید من متقی را اگر م ساختم و شما این معنی نه پسندیدید و گفتید که فلان بن فلان از فلان
 بن فلان ترست امر و نسب مقرر کرده خود را بلند کنم و نسب شما را پست سازم متقیان کجا اند یعنی
 مرتبه متقیان بقدر تقوی بلند شود و در حدیثی آمده که دو دو کس در راه خدا هم صحبت باشند و اعمال صالحه
 غنی و فقیر صحیح و مریض و مملوک و نیک خلق و بد خلق حق تعالی مرتبه هیچ بر مریض و مریض و مملوک و
 غنی بر فقیر و نیک خلق بر بد خلق برتر کند فقیر و مریض و مملوک و بد خلق گویند آئی ما با هم در راه تو هم
 بودیم و عمل صالح میکردیم اینها را بر ما برافزینیت وادی گفته شود که غنی مال خود در راه خدا خرج کرده
 و صحیح و مریض و مملوک در اعمال صالحه زیاده ای کرده اند و نیک خلق را بسبب حسن خلق فضیلت شد
 فقیر گوید که آئی اگر مال میدادی من هم در راه تو خرج میکردم و مریض و مملوک گویند آئی اگر ما صحیح و مریض و مملوک
 عمل میکردیم حق تعالی نماید که سزاوارتر است که بد خلق را بر غنی و مریض را بر صحیح و مملوک را بر مریض و بد خلق را بر صحیح

در حدیثی آمده که هر که کسانت کند یا فال از بریده

فصل بهشت را بهشت دروازه باشد نمازبان را از باب الصلوة وصائم را از باب الصوم
صدقه دهندگان را از باب الصدقة و عبادان را از باب العباد و طلبیده شود ابو بکر گفته یا رسول الله
از هر دری که طلبیده شود خوب است لیکن کسی باشد که از همه دروازه ها او را طلبیده شود فرمود یا رسول الله
که تو از آن مردم باشی قرطبی گفته از همه دروازه طلبیدن بنابر کرامت در حدیثی آمده که انسان هر
عمل که بشیفته کند بهمان در طلبیده شود حدیث آمده که هر که بعد وضو آتشهدان لا اله الا الله و لا شریک له
لا شریک له و آتشهدان محمد عبدا و رسولا گوید بهشت دروازه بهشت برای او گشاده
از هر چه خواهد داخل شود و فرموده که هر که نماز پنجگانه در روزه رمضان کند و زکات دهد و زکات
پرسید بهشت دروازه بهشت برای او گشاده شود و بشارت بکشد و بهشت دروازه بهشت
وارد شده در حق کسی که سه فرزند طفل او را مرده باشند و در حق کسی که تشنه را آب دهد و گرسنه را
از طعام سیر کند و در حق زنی که تقوی کند و محافظت فرج خود و متابعت زوج خود کند و در حق کسی که
چهل حدیث یاد کند که مردم را نفع دهد در حق کسی که او را دو دختر یا دو خواهر یا دو عمه باشد و آنها را پرورش کند
فصل رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که دیوارهای بهشت را خشتی از زر و خشتی از سیم بجای گل
شک باشد و سنگریزه های آن مرورید و یا قوت و خاک آن عفران بر که داخل بهشت شود همیشه
خوش باشد و ناخوش نشود و همیشه باشد و بار چه او گمنام نشود و جوانی او را نعل نگیرد و نه نامی بهشت
در غار زوند بالای زمین روند و میان دیواری دروازه بهشت چهل ساله راه باشد روزی خیابان جام
بشود که مردم پیلوبه پیلوبه روند و تنگ باشند و در صحیحین که داخل بهشت شوند از امت من بشارت دهد
یا بهشت یک راوی شک کرده داخل شوند برابر دست بدست گرفته رؤشان مانند شهاب در بهشت
فصل در بهشت غرنا باشند بلند از جواهر شفاف که ظاهر آن از باطن و باطن آن از ظاهر دیده شود
این بهشت اهل غرنا را بینند بالای خود چنانچه ستاره دور در افق مشرق یا مغرب دیده شود برای
تفاضل که در میان شان باشد گفتند یا رسول الله آن منازل انبیا را باشد دیگران تا آنجا باشند
فرمود قسم خدا که آن منازل مردمان را باشد که ایمان آورده باشند بخدا و قصد حق کرده باشند

از باب الصلوة و صائم را از باب الصوم
صدقه دهندگان را از باب الصدقة و عبادان را از باب العباد
از هر دری که طلبیده شود خوب است لیکن کسی باشد که از همه دروازه ها او را طلبیده شود فرمود یا رسول الله
که تو از آن مردم باشی قرطبی گفته از همه دروازه طلبیدن بنابر کرامت در حدیثی آمده که انسان هر
عمل که بشیفته کند بهمان در طلبیده شود حدیث آمده که هر که بعد وضو آتشهدان لا اله الا الله و لا شریک له
لا شریک له و آتشهدان محمد عبدا و رسولا گوید بهشت دروازه بهشت برای او گشاده
از هر چه خواهد داخل شود و فرموده که هر که نماز پنجگانه در روزه رمضان کند و زکات دهد و زکات
پرسید بهشت دروازه بهشت برای او گشاده شود و بشارت بکشد و بهشت دروازه بهشت
وارد شده در حق کسی که سه فرزند طفل او را مرده باشند و در حق کسی که تشنه را آب دهد و گرسنه را
از طعام سیر کند و در حق زنی که تقوی کند و محافظت فرج خود و متابعت زوج خود کند و در حق کسی که
چهل حدیث یاد کند که مردم را نفع دهد در حق کسی که او را دو دختر یا دو خواهر یا دو عمه باشد و آنها را پرورش کند
فصل رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که دیوارهای بهشت را خشتی از زر و خشتی از سیم بجای گل
شک باشد و سنگریزه های آن مرورید و یا قوت و خاک آن عفران بر که داخل بهشت شود همیشه
خوش باشد و ناخوش نشود و همیشه باشد و بار چه او گمنام نشود و جوانی او را نعل نگیرد و نه نامی بهشت
در غار زوند بالای زمین روند و میان دیواری دروازه بهشت چهل ساله راه باشد روزی خیابان جام
بشود که مردم پیلوبه پیلوبه روند و تنگ باشند و در صحیحین که داخل بهشت شوند از امت من بشارت دهد
یا بهشت یک راوی شک کرده داخل شوند برابر دست بدست گرفته رؤشان مانند شهاب در بهشت
فصل در بهشت غرنا باشند بلند از جواهر شفاف که ظاهر آن از باطن و باطن آن از ظاهر دیده شود
این بهشت اهل غرنا را بینند بالای خود چنانچه ستاره دور در افق مشرق یا مغرب دیده شود برای
تفاضل که در میان شان باشد گفتند یا رسول الله آن منازل انبیا را باشد دیگران تا آنجا باشند
فرمود قسم خدا که آن منازل مردمان را باشد که ایمان آورده باشند بخدا و قصد حق کرده باشند

و دور کرده شود آنکه هزار در هزار گناه و بنا کرده شود خانه و بهشت و آنحضرت فرموده که هر که ده بار سورۃ اخلاص بخواند یکخانه برای او بهشت بنا کرده شود و اگر بیست بار خواند دو خانه و اگر سی بار خواند سه خانه عمر گفت یا رسول الله در صورت بسیار خانها و بهشت کنیم فرمود که فضل خدا فراخ ترست بطرانی از حکیم بن محمد رحلیت کرده که بسبب ذکر خدا بنا و بهشت میشود چون شخص از ذکر بنده میشود از بنا کردن بنده میشوند پس گفته شود آنها را که چرا باز ماندید از بنا گویند تا که از انفق رسد و همچنین از علی بن ابی نعیم روایت کرده و در حدیثی آمده هر که این سوره را صبر کرد و حمد گفت **وَاِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاٰجِعُونَ** گفت حکم شود که بنا کند برای بنده من خانه و بهشت و نام نهند آن خانه را بیت الحمد و فرمود که هر که در صفت نماز یا صفت قنال جز بند کند حق تعالی در جهاد بلند کند و بنا کند برای او خانه و بهشت و فرمود هر که در غلوی ترک کند خانه او و بهشت بنا شود و هر که ترک کند جدال و او محق باشد بنا کند خدا برای او خانه در میان بهشت و هر که خلق حسن باشد او اعلی بهشت خانه او باشد و فرمود هر که در رمضان نماز خواند به سجده هزار حسنه شود و خانه و بهشت بنا شود و از یا قوت سرخ و فرمود هر که قبر مسلمانان کند بنده خانه او و بهشت بنا شود

فصل بوی بهشت از پانصد ساله راه رسد و در بعضی احادیث آمده از هفتاد ساله راه و در بعضی پانصد و هفتاد ساله راه و در حدیثی آمده از هزار ساله راه رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که هر که در قیامت را در او بوی بهشت نرسد و همچنین دارد شده در حق کسی که رعیت خود را رعایت و پرورش نکند و در حق کسی خود را بغیر پدر خود نسبت کند و در حق کسی که منت نهد بعل خود و کسیکه نافه فانی والدین کند و کسی که بد کند باشد و کسیکه قطع رحم کند و کسیکه در پیری زن نکند و کسیکه بتکبر از خود بر زمین کشد و کسیکه خضاب سیاه کند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم مردی که مردود در دل او مقدار دانه خردل کبر باشد حلال نیست او را که بوی بهشت بوی رسد یا بهشت را ببیند

فصل در صحیحین از ابی هریره مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که در خان بهشت آنجا باشند که اگر در سایه او سوار صد ساله راه رود سایه او را قطع کند و ترندی از اسما و بنت ابی بکر از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که در ذکر سوره المنتهی فرموده که سیر کند سوار در سایه یک شاخ وی صد بار را

این حدیثی است که در بعضی نسخ آمده و در بعضی نسخ حذف شده است

در بعضی نسخ آمده است که هر که در قیامت را در او بوی بهشت نرسد و همچنین دارد شده در حق کسی که رعیت خود را رعایت و پرورش نکند و در حق کسی خود را بغیر پدر خود نسبت کند و در حق کسی که منت نهد بعل خود و کسیکه نافه فانی والدین کند و کسی که بد کند باشد و کسیکه قطع رحم کند و کسیکه در پیری زن نکند و کسیکه بتکبر از خود بر زمین کشد و کسیکه خضاب سیاه کند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم مردی که مردود در دل او مقدار دانه خردل کبر باشد حلال نیست او را که بوی بهشت بوی رسد یا بهشت را ببیند

و در آن پروانه‌ای زر باشد و ثمر آن مثل قلعه باشد و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم طوبی در
 صد ساله راه پاره پوشاک شستیان از آن براید و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم درختی درشت بنام
 مگر آنکه تنه او از زر باشد و از این عجیب است که غلّه بهشت را تنه زمر و سبز و شاخه آن طلاست و
 برگ آن پوشاک این شست قطعی و هم قلعه و ثمر آن مثل قلعه سفید از شیر و شیرین تر از عسل و جرم
 از زرد و نباشد او خسته سلمان فارسی رضی الله عنه چلی خرد و دست گرفت و گفت اگر در شست
 اینقدر خوب طلب کنی نیابی مردم گفتند که آنجا نخل و شجر باشد فرمود که هیچ و تنه آن از زمر و برگ
 و بالای آن ثمر باشد یک اعرابی از آنحضرت صلی الله علیه و سلم گفت یا رسول الله درختی مذکور شده که
 اندامیکند صاحب خود را فرمود آن چیست گفت سدره فرمود حق تعالی فرماید **فِي شَجَرٍ مَّشْهُودٍ**
 یعنی قطع کرده شده قطع کند حق تعالی خارا و را بجای هر خار نمره باشد از هر نمره هفتاد و دو رنگ براید که
 مشابه یکدیگر نباشد و نمره درختان بقسمی باشد که استاده و شسته و بر زمین خفته بهر حال میتوان گفت
 حجاب رضی الله عنه گفته که زمین بهشت از نقره باشد و خاک او از شک و درختان از زمر و نقره و شاخه
 از زمر و برگ و ثمر با قسمی استاده و شسته و خفته آنرا بگیرد و سرق رضی الله عنه گفته که نمره
 جنت هرگاه شکسته شود بجای آن دیگر قائم شود و آبی هریره گفته که سدره بهشت را طوبی گویند حق تعالی
 میفرماید بشکاف برابنده صالح من هر چه خواهد پس بشکاف از آن اسب مع زین و گام و خنجر خواهد و براید
 شتر بار حل و مهر بقسمی که خواهد و براید پاره آنچه خواهد و در احادیث وارد شده که هر کس **بَشَّاهُ** **اللَّهُ**
 گوید برای او درختی در بهشت نشانه شود رسول صلی الله علیه و سلم ابوهریره رضی الله عنه را دید که
 درختی می نشاند فرمود که دلالت کن من بر درختی بهتر ازین گفت آن چیست فرمود **سُبْحَانَ اللَّهِ**
الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اللَّهُ أَكْبَرُ هر کلمه ازین درختی برای تو نشانه شود رسول صلی الله
 علیه و سلم ابراهیم علیه السلام را در خواب دید گفت یا محمد است خود را ازین سلام بگو و خبر ده که بهشت خوش
 حاکم است و شیرین آب و آن بی درخت است و درختهای آن **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ** و **لَا حَوْلَ**
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ است و آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که نزد حق تعالی و قرآن و رسول

قد یضربان
 شجره فی
 جنة
 و قد یضربان
 شجره فی
 جنة
 و قد یضربان
 شجره فی
 جنة

و قد یضربان
 شجره فی
 جنة
 و قد یضربان
 شجره فی
 جنة
 و قد یضربان
 شجره فی
 جنة

ان خضر همراه او شود و بجای او دختری دیگر ببرد و در حق نهرهای بهشت حق تعالی میفرماید
 یَفْجُرُهُمْ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ لَبَنُهُ مِنْ شَرِّهِمْ وَ مِنْ شَرِّهِمْ قِطْعٌ مِنْ نَارٍ وَ مِنْ شَرِّهِمْ قِطْعٌ مِنْ نَارٍ
 از نهرها از آن قصبها اشاره کنند همراه آن قصبها نهر جاری شوند احمد از ابی سعید خدری روایت کرده است
 که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که هر که مسلمان از تنگی آب خوردند حق تعالی او را از حریق محفوظ کند
 و حریق محفوظ عبارت از خمر است که در آخر آن لذت و بوی شکر باشد و از خمر بهشت صدراع نشود
 چنانچه در قرآن است و عقل زایل نگردد و چون این بهشت را رغبت شراب شود بدست او آنقدر داده شود
 که زیاده باشد از خواهش او نه کم و فرموده که هر که در دنیا خمر خورد و توبه نکند در آخرت از آن محروم باشد
 اگر چه داخل بهشت شود و فرموده که هر که خمر خورد و در دنیا یا بچه صغیر را خوراند او را حق تعالی جهنم
 خواند و هر که بخوف خدا خمر را ترک دهد با وجود قدرت بر آن در دحظرة القدس خوانده شود و در بهشت
 وارد شده که در بهشت درخت باشد که از آن لباسی ششپایان بر آید اگر خواهید سفید و اگر خواهید سرخ و اگر
 سبز و اگر خواهید سیاه و اگر خواهید زرد و بار دیگر و غیر اینها تا تم از کعب اجبار آورده که اگر بار بهشت را
 در دنیا پوشش چشمها دیدن آنرا تحمل نشوند هر که آنرا ببیند بهوش شود و فرمود و صاحبان آنرا در بهشت کرد
 که لباس ششپایان در یک ساعت بقادران تبدیل شود و در صحیحین روایت است که آنحضرت فرموده که هر که حیر در دنیا پوشد
 در آخرت نباشد اگر چه داخل بهشت شود و فرموده که هر که در دنیا دظرف زربانقره خورد و در آخرت از آن خورد
 فصل در صحیحین است که موسی بن یزید روایت کرده است که آنحضرت فرموده که هر که در دنیا دظرف زربانقره خورد
 از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آورده که بهشتیان را تاج باشد که او فی المروارید آن با من مشرق و مغرب رو شود
 و آنحضرت فرموده که هر که مرده را کفن نماید او را از سندان استبرق بهشت پوشانیده شود و فرموده که
 مصیبت زوجه را تعزیت کند حق تعالی او را دوحله پوشانند که تمام دنیا بقیمت آن نرسد و فرموده که
 ترک لباس زینت کند بتواضع با وجود قدرت حق تعالی او را بر سر خلائق طلب کند و مختار سازد و از علما
 ایمان هر چه خواهد پوشد مفسران گفته اند که کسی از این بهشت نباشد مگر آنکه او را سه دست بند باشد
 یکی از زرد و دوم از نقره سوم از مروارید از کعب اجبار روایت است که حق تعالی فرشته پیکار ده است که از روز

فصل در صحیحین است که موسی بن یزید روایت کرده است که آنحضرت فرموده که هر که در دنیا دظرف زربانقره خورد و در آخرت از آن خورد

پیدايش خود تا روز قیامت زبورش تیان تیار بکشد از سعید بن جبیر در تفسیر قوله تعالی **لَا تَنْهَوْنَهُمْ**
مِّنَ السَّبَرِ یعنی نهشتا بشتیان را ستر از ستر بنی بامر است که گفته که ظاهر این آیه اینست که نه باشد
فَصَلَ مُتَكَلِّمِينَ فِيمَا عَلَى الْأَرْكَانِ یعنی تکیه زده بر اریکها بنشینند و بگویند که هر چه بگویند
 که در زیر آن تخت یعنی چارباکی باشد و بالا آن حمله باشد و بجای گفته اریکها باشند از مردارید و بگویند
 و نماز و قنوت و غیره یعنی تکیه با هم صفت بسته از ابن عباس و است که خیمه از مردارید و بگویند باشد
 فرسخ و فرسخ چاربا را رخت از زردان باشد متفکرات یعنی اهل بهشت رو برو بنشینند بعضی بعضی را
 پشت نهاده و در سجده از ابی موسی اشعری از آنحضرت صلی الله علیه و سلم مرویست که خیمه بکین دارد و بگویند باشد
 که شصت و هفت عرض آن باشد و در گوشه از آن اهل خانه بنشیند بر او که دیگر اهل خانه را ببینند و آن مرد همه آنها بگذرد
فَصَلَ صَاحِبِیْنَ از آنحضرت صلی الله علیه و سلم مرویست که هر کس در بهشت دوز و جبه پا و ترندی بنشیند صاحب
 از آنحضرت روایت کرده که تزیین کرده شود و من به فتاد و زوجه گفتند یا رسول الله قوت به فتاد و زن داشتند
 فرمود که قوت صد زن داده شود و ابن عساکر و ابن السکن از حاطب بن ابی بلتعنه و احمد و ترمذی از ابی سعید
 از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که به فتاد و دوزن باشند به فتاد از خلقت بهشت و دوزن
 از اهل دنیا ازین روایت تطبیق هر سه روایت گشته و در بعضی روایات عدد و نسأر بکثرت بسیار
 شاید آن باعتبار بعض اشخاص باشد لیکن روایت دوزن اهل دنیا شبهه پیش می آید که در حدیث
 که آنحضرت زنان گفت **أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ** یعنی نموده شدم من اکثر اهل دوزخ زنان را گفتند
 چرا یا رسول الله فرمود که شما بسیار لعنت میکنید و کفران نمیت شوهران نیامید و نیز آنحضرت غرابها را
 دیدند و در آن غرابها یکی بود سفید باز و با سرخ و سرخ پا فرمود از زنان داخل بهشت نشوند مگر مانند
 این غراب از غرابها یعنی بسیار کم و ازین حدیث معلوم میشود که زنان در بهشت از مردان مضاعف باشند
 توجیه چنان میتوان کرد که مراد از نفی دخول زنان در بهشت آن باشد که بدون تحذیب داخل بهشت نشوند لیکن
 انجام شان به بهشت باشد و مراد **أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ** که **أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ** که دلیل آنکه علت دخول شان
 در دوزخ کفر بخدا و نفرموده بلکه اکثر این کفران شوهر فرموده و محتمل که مراد آن باشد که هر کس از امت محمدی

قوله از آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم
 که بگویند

عاصم آنکه فرموده شد
 ای زنان اکثر دوزخی
 یعنی زنان اکثر دوزخی
 اند از روی دخول در
 دوزخ و دوزخ

و وزن باشند گوازان ام سابقه باشند با طفل مرده باشد از اطفال مومنین یا اطفال کفار و وقت
 دخول خست جوان باشند در نکاح مردان مکلف داده شود لیکن زنان که در دنیا نماز و روزه کرده اند
 از همه بهتر باشند زنان بهشت پاک باشند از حیض و بول و غایط و آب بهن و آب بینی و ولد و منی آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم فرمود که اگر زنی از زنان بهشت ظاهر شود ما بدین آسمان و زمین روشن خوشبو کند و شوی
 آفتاب را بپوشد و دامنش را از دنیا و ما فیها بهتر باشد فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم که در سبب
 چون داخل بهشت شدم در وضعی که بیج نام دارد دران خیمه یا قوت و مرادید و زبرجد و آواز زنان
 السلام علیک یا رسول الله پرسیدم یا جبرئیل اینچه آواز است گفت این مَقْصُودَاتُ فی الخیاطه
 اند از حق تعالی اذن خواستند که بر تو سلام گویند اذن شد پس آنجا گفتند ما زانیم اضی گاهی ناخوشی
 نمکنیم همیشه باشند گان گاهی سفر کنیم طهرانی از ابی امامه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم
 فرموده که حوران بهشت از زعفران مخلوق باشند و این مبارک از زید بن اسلم آورده که بنیدین
 از مشک زعفران کافور باشد از خاک و طهرانی و بهیقی از ام سلمه روایت کرده که آنحضرت فرمود
 صلی الله علیه و سلم که زنان دنیا از حوران بهشت در حسن افضل باشند مانند فضل ابره بر ستر بسبب آنکه در روز
 رویکشان را نوز خشد و جسدشان اسفید و خوبی و مجامشان از مرادید و شانهاشان از زربام
 پرسید یا رسول الله زنی در دنیا و شوهر کند یا سه یا چهار در بهشت که باشد فرمود که او اختیار داده
 پس اختیار کند که تراد و اخلاق و همچنین ام حبیبه روایت کرده و ابن سعد از ابی الدرداء روایت کرده که زن آخر
 از و اچ را باشد و ابن سعد از ابی بکر صدیق رضی الله عنه روایت کرده که اگر زنی را شوهر صالح
 مرد و آن زن شوهر دیگر نکند در بهشت با وی جمع شود حق تعالی میفرماید اَنَا اَنْشَأْنَا هُنَّ اِنْشَاءً
 فَجَعَلْنَا هُنَّ اَبْكَارًا اَعْمَرًا اَنْتَرَا بَکَیعِنِ حق تعالی زنان دنیا را چون در بهشت داخل خواهند
 بکره و عاشقه شوهر خود و همه زنان یک عمر باشند و ترندی و بهیقی از انس آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم روایت کرده که پیر زنان کور چشم و چکین چشم راحی و جوان بکار ساز و نیز همچنین ام سلمه
 روایت کرده و در دیگر احادیث آمده که اهل بهشت مرد و زن همه یک عمر باشند سی و سه ساله

نکات بهشت از اینجا

حق تعالی میفرماید **وَعَيْنٌ رَّاٰ** یعنی سیاه چشم و **كُلَّ شَيْءٍ** هر چیزی را که می بیند و **لَا يَكُنُ لَكَ كَفٌّ** یعنی مانده در او در صدق و میفرماید **خَيْرٌ لَّكَ** یعنی نیک تر از خود و این مبارک از
 اوزاعی روایت کرده نیک تر از زبان دراز بیهوده گو نباشد رشک یکدیگر نکنند ایضا
تَقَاصِرُ الظَّرْفِ یعنی چشم خود بر ازواج خود کوتاه دارند بسوی دیگری نه بینند و فرموده
كُلَّ عَجَبٍ آنرا که یعنی بستان خواسته هم سن این ابی الدنیا از انس از آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم روایت کرده که خوشتر است اگر در دریای شور آب دهن اندازد تمام دریا شیرین شود بهیچ
 از این عجایب از آن سرور روایت کرده که این بهشت را قوت جماع آنقدر باشد که در صبحگاه
 با صد زن جماع کند و بطرانی از ابی امام از آنحضرت روایت کرده که آلات جماعت مانده نشود
 و شهوت منقطع نگردد و هزار و غیره از ابی سعید از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که
 این بهشت باز آن خود جماع کنند باز زن بکره شود لیکن از جماع و حرامت توالت نباشد و اگر
 کسی احیاناً آرزوی دل کند حل در آون و جوان شدن مولود در یک ساعت است و بدکذا را و اگر
 و البیسی و غیره با عنده صلی الله علیه و سلم در حدیثی آمده که مردی بایکی از جوین صحبت داشته
 ناگاه نوری از بالا ظاهر شود گمان برد که تجلی حق شده ظاهر شود که حوری است بهتر از اولی میگوید که
 ولی خدا آیام اباتو نصیب نیست چندی بادی صحبت دارد باز همچنین دیگری ظاهر شود بهتر از ثانیه
 و همچنین همچنین رسول فرمود صلی الله علیه و سلم هر که غصه فرو برد با وجود قدرت حق تعالی او را
 بهر خلق طلب کند و مختار سازد در حوران هر که خواهد گیرد و فرموده که سه چیز اند هر کسی را یکی از آن
 باشد او را حور عین داده شود کسی که امانت مخفی بخود خدا داد کند و خیانت نکند کسی که قاتل
 خود را نبخشد و کسی که بعد از نماز سوره اخلاص بخواند و فرموده مهر حوران قبضهای خرم و پارسا
 نان است یعنی آنچه بدویشان برده و فرموده چار و کشتی مساجد مهر حوران است و فرموده که بهشت
 زمیت میگیرد از سالی تا سالی یک ماه رمضان حوران زمیت میگیرد از سالی تا سالی دیگر برای ماه رمضان
 چون رمضان داخل شود بهشت گوید آئی بگردان درین ماه از بندگان خود ساکنان درین حوران

گویند آنگاه گردان از بندگان خود برای ماشوهران که سرود شود چشم ما از آنها چشم آنها از ما فرمود
در هشت خور باشد عینا و بنفقا و هزار غلام بردست راست و همچنین بردست چپ او را و رو
و گویند که ما شند امر کنندگان معروف و نهی کنندگان از منکر و فرمود که اگر زنی مردی را در دنیا ایذا
رساند و از حوران گوید ایذا ده این که همان است نزد تو قریب است که از تو جدا شود و بسو یا آید حوران شتی را گفته شود
که بخوابد که شوهر خود را ببیند گویند آری آنگاه پردا از میان برداشته شود و او را ببیند و شتیاق ملاقات
فصل از ابلی بر ربه و این عمر و غیره مردیست که حوران با و از خوش سرود و کند کسی شنیده باشد
مثل آن به تسبیح و تقدیس و حمد و ثنای پروردگار و شکر او تعالی باین الفاظ سخن حوران چنان
أَهْدِيكَ لَوْ رَاجَ كَوَامِرٍ وَ كُنْ أَلْكَ لَكَ فَلَاحُومٌ وَ كُنْ أَلْ رَاحِيَاتٍ فَلَاحُومٌ
وَ كُنْ أَلْ مَنَاتٍ فَلَاحُومٌ وَ كُنْ أَلْ مَقِيَّاتٍ فَلَاحُومٌ و در حدیث است که اگر اهل هشت غربت
کنند با و را حکم شود که در شاخهای بنزد درختان که از مر و ایدست در آیند و حرکت دهند بقسمی که آوازها
خوش سر آیند و درختان را حکم شود که بندگان من که خود را در دنیا از معازفت و مزامیر باز داشته بود
آنها را بشنوند پس آوازهای خوش از درختان به تسبیح و تقدیس بر آید و نیز ملائکه آوازهای خوش
به تسبیح و تقدیس گویند و گویند که لا خوف علیکم و لا هم یخفون و نیز در حدیث آمده که داود
علیه السلام را حکم شود آن حضرت با و از خوش حمد خدا خواند و حکیم در نوادر الاصول از ابی موسی از حضرت
صلی الله علیه و سلم آورده که هر که در دنیا سرود بشنود و او را اذن نشود که آواز و حانیاں که اهل هشت بشنود
فصل ظروف در هشت از زر و نقره باشند شفاف مثل شیشه قوله تعالی کَانَتْ قَوَارِيرًا
قَوَارِيرٌ مِّنْ فِضَّةٍ هِیْنٌ مَّعْنًی دارد ظرف زر و نقره در دنیا هر چند باریک باشد شفاف نیاید
هر کس را از اهل هشت هفتاد ظرف از زر و نقره پیش آورده شود در هر یک یکی از طعام باشد که در دیگر نیاید
فصل مردم که داخل هشت شوند عدا و تها می شان که در میان باشد و در شود و با هم دوست
و محب شوند ادنی اهل هشت را هزار خادم باشد و در حدیثی پنجاه آمده و در حدیثی ده هزار خادم از
ولدان مخلد یعنی امردان که همیشه امر و باشند در قرآن است که ملائکه در هشت داخل شوند و بر مومنان سلام

و گویند که اگر کسی را در دنیا ایذا رساند و از حوران گوید ایذا ده این که همان است نزد تو قریب است که از تو جدا شود و بسو یا آید حوران شتی را گفته شود که بخوابد که شوهر خود را ببیند گویند آری آنگاه پردا از میان برداشته شود و او را ببیند و شتیاق ملاقات
فصل از ابلی بر ربه و این عمر و غیره مردیست که حوران با و از خوش سرود و کند کسی شنیده باشد مثل آن به تسبیح و تقدیس و حمد و ثنای پروردگار و شکر او تعالی باین الفاظ سخن حوران چنان
أَهْدِيكَ لَوْ رَاجَ كَوَامِرٍ وَ كُنْ أَلْكَ لَكَ فَلَاحُومٌ وَ كُنْ أَلْ رَاحِيَاتٍ فَلَاحُومٌ وَ كُنْ أَلْ مَنَاتٍ فَلَاحُومٌ وَ كُنْ أَلْ مَقِيَّاتٍ فَلَاحُومٌ و در حدیث است که اگر اهل هشت غربت
کنند با و را حکم شود که در شاخهای بنزد درختان که از مر و ایدست در آیند و حرکت دهند بقسمی که آوازها خوش سر آیند و درختان را حکم شود که بندگان من که خود را در دنیا از معازفت و مزامیر باز داشته بود
آنها را بشنوند پس آوازهای خوش از درختان به تسبیح و تقدیس بر آید و نیز ملائکه آوازهای خوش به تسبیح و تقدیس گویند و گویند که لا خوف علیکم و لا هم یخفون و نیز در حدیث آمده که داود علیه السلام را حکم شود آن حضرت با و از خوش حمد خدا خواند و حکیم در نوادر الاصول از ابی موسی از حضرت صلی الله علیه و سلم آورده که هر که در دنیا سرود بشنود و او را اذن نشود که آواز و حانیاں که اهل هشت بشنود
فصل ظروف در هشت از زر و نقره باشند شفاف مثل شیشه قوله تعالی کَانَتْ قَوَارِيرًا قَوَارِيرٌ مِّنْ فِضَّةٍ هِیْنٌ مَّعْنًی دارد ظرف زر و نقره در دنیا هر چند باریک باشد شفاف نیاید هر کس را از اهل هشت هفتاد ظرف از زر و نقره پیش آورده شود در هر یک یکی از طعام باشد که در دیگر نیاید
فصل مردم که داخل هشت شوند عدا و تها می شان که در میان باشد و در شود و با هم دوست و محب شوند ادنی اهل هشت را هزار خادم باشد و در حدیثی پنجاه آمده و در حدیثی ده هزار خادم از ولدان مخلد یعنی امردان که همیشه امر و باشند در قرآن است که ملائکه در هشت داخل شوند و بر مومنان سلام

و گویند که اگر کسی را در دنیا ایذا رساند و از حوران گوید ایذا ده این که همان است نزد تو قریب است که از تو جدا شود و بسو یا آید حوران شتی را گفته شود که بخوابد که شوهر خود را ببیند گویند آری آنگاه پردا از میان برداشته شود و او را ببیند و شتیاق ملاقات
فصل از ابلی بر ربه و این عمر و غیره مردیست که حوران با و از خوش سرود و کند کسی شنیده باشد مثل آن به تسبیح و تقدیس و حمد و ثنای پروردگار و شکر او تعالی باین الفاظ سخن حوران چنان
أَهْدِيكَ لَوْ رَاجَ كَوَامِرٍ وَ كُنْ أَلْكَ لَكَ فَلَاحُومٌ وَ كُنْ أَلْ رَاحِيَاتٍ فَلَاحُومٌ وَ كُنْ أَلْ مَنَاتٍ فَلَاحُومٌ وَ كُنْ أَلْ مَقِيَّاتٍ فَلَاحُومٌ و در حدیث است که اگر اهل هشت غربت
کنند با و را حکم شود که در شاخهای بنزد درختان که از مر و ایدست در آیند و حرکت دهند بقسمی که آوازها خوش سر آیند و درختان را حکم شود که بندگان من که خود را در دنیا از معازفت و مزامیر باز داشته بود
آنها را بشنوند پس آوازهای خوش از درختان به تسبیح و تقدیس بر آید و نیز ملائکه آوازهای خوش به تسبیح و تقدیس گویند و گویند که لا خوف علیکم و لا هم یخفون و نیز در حدیث آمده که داود علیه السلام را حکم شود آن حضرت با و از خوش حمد خدا خواند و حکیم در نوادر الاصول از ابی موسی از حضرت صلی الله علیه و سلم آورده که هر که در دنیا سرود بشنود و او را اذن نشود که آواز و حانیاں که اهل هشت بشنود
فصل ظروف در هشت از زر و نقره باشند شفاف مثل شیشه قوله تعالی کَانَتْ قَوَارِيرًا قَوَارِيرٌ مِّنْ فِضَّةٍ هِیْنٌ مَّعْنًی دارد ظرف زر و نقره در دنیا هر چند باریک باشد شفاف نیاید هر کس را از اهل هشت هفتاد ظرف از زر و نقره پیش آورده شود در هر یک یکی از طعام باشد که در دیگر نیاید
فصل مردم که داخل هشت شوند عدا و تها می شان که در میان باشد و در شود و با هم دوست و محب شوند ادنی اهل هشت را هزار خادم باشد و در حدیثی پنجاه آمده و در حدیثی ده هزار خادم از ولدان مخلد یعنی امردان که همیشه امر و باشند در قرآن است که ملائکه در هشت داخل شوند و بر مومنان سلام

در پشت کعبه لغو و بزل شتم و مانند آن نباشد و بپرسد یا رسول الله در پشت سپ باشد فرمود اگر داخل پشت
 هرگاه سوار می سپ خواهی کسی از یاقوت سخن را سوار شوی او را بر باشند سپرد بانو و هر جا که خواهی رساند و دیگر گفت
 یا رسول الله شتر باشد فرمود اگر داخل پشت شوی بر خیز را که دل تو خواهد و چشم ترا لذت دهد میتا باشد
فصل در پشت بازار باشد که در آن بیع و شرائیست که صورت های مردان و زنان در آن باشند
 بر صورت که کسی را خوش کند بعد از آن صورت گردد و تلمیذانی از ابی الدرداء از آن حضرت صلی الله علیه و آله
 روایت کرده در جنت عدن سواد انبیاء و شهدا و صدیقان کسی نباشد و باشد در آن آنچه در خطره کی
 هم نگذشته باشد و تکرار گوید که شاید مرا و ازین حدیث آن باشد که در آن رویت حق تعالی دائمی باشد مسلم
 از انس از آن حضرت صلی الله علیه و آله روایت کرده که در پشت بازار باشد در آن تو و دایمی مشک باشد
 و در جمعه مردم در آنجا روند و با دشمنان برانها و زد و مشک بر روی و با چای ایشان افشانند حسن جمال زیبا
 شود چون نزد اهل خود روند آنرا گویند و الله شایسته حسن جمال زیاده کردید و در احادیث آمده که طیب و در
 شبیل شتر بخفتی باشند چون شخصی قصد خوردن آن کند بر خوان او پیش آید و از آن بر لذت خورد باز
 آن طایفه سپرد و برود و در پشت با هم ملاقاتها کنند بر شتر سوار شده و بر اسپان که نه بول کنند و برین
 و ابن ابی الدنیا از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که در پشت خفتی
 باشد که از بالای آن علما و از زیر آن اسپان اطلق از زر که زمینهای شان و با گهای شان از مراد آید
 یا قوت باشد و آنها را پر باشد و آنها قدم نهند جانکه بصر رسد اولیا را الله بران سوار شوند و بگذرد
 و دیگر مردم که در مرتبه پست باشند بگویند یا الهی اینها کیستند که نورشان نورای ما را فرو نشاند و ما
 که اینها در راه خدا اتفاق میکردند و شما بخل میکردید و اینها جهاد میکردند و شما می شستید و بیعتی از مجاهد
 وانی سلیمان در تفسیر قوله تعالی و کذا آیت نور آیت نعیم و ملک اکبر که گفت که مراد از ملک اکبر
 آنست که فرستاده رب افرت تحفها و لطفها بروی آرد و بوی نرسد تا که اذن دخول طلب کند از آنجا
 و آن حاجب حاجب دیگر و همچنین پس از آن بولی الله بدخول هرگاه آن بی خوابی اذن برود و کار خود شست
 فقیر گوید این از انجاست که حق تعالی او را است از جبل الوری و حجب غفلت در میان نیست که حضور دائمی دارد

هرگاه نظر کنی
 در اینجا بینی انستاد
 ملک سلیمان

فصل ترمذی و حاکم از بریده روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که اهل شت
یکصد و بیست و شش باشند از آنجمله هشتاد و شش از است من و چهل از دیگران و یکی و این عساکر
از جابر روایت کرده که مومنان بر جمعه زیارت حق تعالی کنند حق تعالی بفرماید که بخوابند از آن
هر چه خواهند مردم بعلماء رجوع کنند که چه چیز درخواست کنیم علماء وجه سوال آموزند پس مردم علماء
در شت هم محتاج باشند و طبرانی و بیهقی و ترمذی از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده
که اهل شت بر هیچ چیز حسرت نکنند مگر بر ساعتی که در دنیا در آن ذکر خدا نکرده باشند این عساکر از
امیر المومنین علی رضی الله عنه از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که بوی شت بر هزار ساله
میرسد و بوی شت عقوق کننده و الدین و قاطع رحم را و پیرانی را و کسیکه از کبر و امانی از کند زسد
فصل اهل شت در شت بابرادران و یاران و دوستان ملاقاتها کنند و ماجرای می نیایند
بزار و بیهقی و غیره از انس روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که چون هشتیان
داخل شت شوند اشتیاق برادران کنند پس سخت یکی مقابل سخت دیگری آید و با هم سخن گویند
آنچه در دنیا گذشته بود و این شت و در میان را هم بینند و هرگاه هشتیان خجسته باشند با هم
و اصحاب رجات عالی ملاقات نمایند طبرانی و ابونعیم و غیره از عائشه روایت کرده که مردی نزد
پیغمبر صلی الله علیه و سلم آمد و گفت یا رسول الله من ترا از جان خود و اهل و ولد خود دوست میدارم
و چون بخانه میروم می تو صبر نمیتوانم کرد تا که خدمت می کنم لیکن چون مردن خود و مردن تو خیال کنم
می ترسم که تو در شت در مقام پیغمبران باشی و من اگر به شت رسم ترا به پیغمبر آن حضرت جواب میداد
تا که جبریل نازل شد و این آیت آورد و من یطیع الله و الرسول فاولیک مع الذین
انعم الله علیهم من الشییین و الصید یقین لایة احمد و طبرانی از ابی هریره روایت
بن جابر رضی الله عنه از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آورده که هر که در شت شود یعنی در دنیا صغیر
یا کبیر همه شان اجر و باشند یعنی تمام بدن شان سوی نباشند و امر و باشند یعنی ریش و بصر
سی و سه سال باشند کیسان نه کم نه زیاد و در چشم سرمه کشیده و این اهل دنیا از این عساکر

در شت و در دنیا
صغیر یا کبیر
همه شان اجر و
باشند یعنی تمام
بدن شان سوی
نباشند و امر و
باشند یعنی ریش
و بصر سی و سه
سال باشند
کیسان نه کم نه
زیاد و در چشم
سرمه کشیده و
این اهل دنیا
از این عساکر

که دشت موسی علیه السلام را ریش باشد تا سینه دیگر را نباشد و از کعب احبار مرویست
که آدم علیه السلام را ریش سیاه تا ناف باشد دیگر را نباشد شاید که هر دو را باشد و غیر آنها را
و ابن عدی از علی و جابر رضی الله عنهما روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که جمیع ریش
بجامهای شان گفته شوند که آدم علیه السلام را ابو محمد ابو احمد گفته شود صلی الله علیه وسلم و طبرانی
از ابن عباس آورده که زبان این دشت عربی باشد و وطنی گفته که چون مردم از قبول این زبان
باشد و دشت زبان عربی باشد و صحیحین از عمران بن حصین از آنحضرت صلی الله علیه وسلم
روایت کرده که دیدم اکثر اهل جنت فقرا و اکثر اهل جهنم زنان و بزرگواران از آنحضرت صلی الله علیه
وسلم روایت کرده که اکثر اهل بهشت ابله باشند یعنی غافل از امور دنیا و آگاه از امور آخرت
و ذهبی گفته یعنی سینه صاف و خوش گمان و از هر گوی گفته غافل از شر و مسلم از ابی هریره از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم روایت کرده که داخل بهشت شوند جماعتی که دلهای شان مثل دلهای پندگاران
باشد یعنی خائف و گریزان از اختلاط عوام و صحیحین از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله
علیه وسلم روایت کرده که حق تعالی اهل بهشت را گوید که شماراضی شدیدی گویند چرا رضی نشویم که ما را نعمتها
دادی که کسی را از مخلوقات ندادی حق تعالی بفرماید آیا نداده ام شمارا آنچه ازین همه افضل است گویند
ازین افضل چه باشد فرماید که از شماراضی شده ام که گاهی ما را رضی نشوم
فصل بزرگترین نعمتهای بهشت دیدار خداست جل و علا و افضل و خارج و منزلت از انکار
از اهل سنت و جماعت بدان متهدی شده اند حق تعالی میفرماید وَجْهٌ لَّكَ يَوْمَئِذٍ فَاضِلٌ إِلَى
رَبِّكَ نَظَرَةٌ وَيُفْرَأُ بِكَ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ فَزِيَادَةٌ لَهُمْ و از حسنیت بهشت است و از
زیاده دیدار حق تعالی تفسیر این آیهست یعنی از هر چهار خلق را شنیدن و ابی بن کعب و کعب بن عجره
و ابن مرویه و انس و ابوهریره و ابو موسی اشعری و ابن عباس و ابن مسعود و غیره مرویست و رسول
فرمود صلی الله علیه وسلم فریبست که خواهید دید پروردگار خود را روز قیامت چنانچه می بینید
در شب چهاردهم در حالیکه هیچ حجاب در میان نباشد یحیی بن سعید گفته که در روز قیامت

هفتمه حدیث صحیح وارد شده و اجماع است بر آن منع گشته الکار آن کفرست ذکر احادیث است
 بسیار طول دارد و قسکه بدولت دیدار شرف شوند جمیع نعمتها میشت از نظر ساقط گردد و اگر اجاب
 مرویست که آنچه در دنیا روز عید باشد مردم بر ایند بچههای میشت و خدا را نه پسند یعنی در سکا
 یکد و بار و در بعضی احادیث آمده که در هفته یکبار و شاید در حدیث سابق هم مراد از روز عید روز جمعه
 و در بعضی احادیث آمده در هر پنج روز یکبار و بهی از عیش و ایت کرده که بهترین اهل بهشت کسی باشد
 که هر صبح هزار مرتبه و ابونعیم از ابی یزید بسطامی رضی الله عنه روایت کرده که بندگان خاص حق تعالی
 چنان باشند که اگر یک آن از رویت محجوب شوند فریاد کنند چنانچه در خیابان بر آید و فریاد فریاد
 فائده از امیر المؤمنین علی رضی الله عنه مرویست که تفسیر قوله تعالی **مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا** فرمود
 هر که خواهد خدا را بنید باید که عمل صالح کند و کسی را بران آگاهان زود خبر کنند
 فصل بعضی علما گفته اند که رویت حق تعالی مخصوص بهشت ملائکه را نخواهد شد لیکن بهی حق تعالی
 را هم رویت اثبات کرده از عمر بن عاص روایت کرده که حق تعالی ملائکه را پیدا کرده چندین صفت
 همه شان همیشه در عبادت قائمند تا روز قیامت چون روز قیامت شود بر آنها حق تعالی تجلی کند
 به بیند حق تعالی را و بگویند **مَا عِبَدْنَاكَ حَتَّىٰ عِبَادَتِكَ** و نیز از مروی از اصحاب از حضرت
 صلی الله علیه و سلم روایت کرده که فرمود که حق تعالی را فرشتگان اند که از خوف خدای مرز شده اند
 شان نیست از آنها فرشته که میریزد قطره آب از چشم مگر از آن قطره فرشته می آید که تسبیح میکند
 از فرشتگان از روزیکه پیدا شده اند و سجود اند سر از سجود بر دارند تا روز قیامت و بعضی صفت
 استاده اند از آن حرکت نموده تا روز قیامت چون روز قیامت شود حق تعالی تجلی کند و خدا را
 گویند **سُبْحَانَكَ مَا عِبَدْنَاكَ حَتَّىٰ يَكُنْ لَكَ كَيْفُيْ** یعنی کیست مرتز عبادت نکردیم ترا چنانچه شاید
 فصل کفار از جن و انس در روز باشد با اتفاق و در نومان از جن علما را اختلاف است بعضی
 ایشان را دخول بهشت نیست معدوم شوند چنانچه ابو الشیخ از انس بن سلیم آورده که گفت مسلمانان

پسین که می دارد
 ملائکه به روز قیامت
 باید که بندگان را خبر کنند
 و در حدیث
 از امیر المؤمنین
 علی رضی الله عنه
 روایت شده است
 که هر صبح
 هزار مرتبه
 تسبیح کند
 حق تعالی
 او را دوست
 دارد

CALL NO.

١٦٤٢

ACC. NO.

١٢٤٦

AUTHOR

م. د.

TITLE

مذكرة الامتحان

Date

No

Date

No.



MAULANA AZAD LIBRARY

ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES :-

1. The book must be returned on the date stamped above
2. A fine of **Re. 1-00** per volume per day shall be charged for text-book and **10 Paise** per volume per day for general books kept over-due.